

حقیقت

شماره ۱۲۴

۳ خرداد ۱۳۴۶

بیرون راندن مزدوران بعثی از خاک
میپنمان اساسی ترین راه حل مشکل
آوارگان جنگ است

تجاوزناستگارانه رژیم انقلاب کما قسدر مردم
رژیم بعث عراق به میبیین ایران صورت گرفته است
عزیزمان که به دستورا میریسا -
لیستها ، برای خابودی

بفیه در صفحه ۱۲

سرمقاله

مصالح جنگ و انقلاب ایجاب میکند:

هم مقاومت سازشی ناپذیر در برابر تجاوزکاران و آمریکاراه هم نبرد بی امان با جریان خیانتکار و مستبد حاکم راه

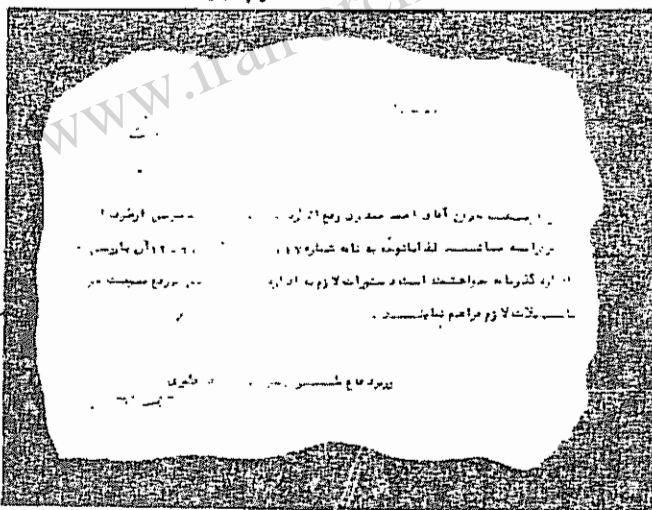
شروع حملات هوایی وزمینی
خود را ایران انتظار داشته
فعالیت میکنند؛ و از داخل
هم دارو دسته با ملاح مکتبی و
فا سوده دولت خیانت پیشه اش
دا ثما علیه انقلاب و مردم توطئه
میکند و تریط تسلیم کشور را
(بفیه در صفحه ۲۰)

سازی برای یک تحول ارتجاعی
و قدمتی، نظیر کودتای کسه
بعثی های عراقی همزمان بسا

و بر تجميع دست نشان داده
منطقه برای محاصره و زیر فشار
تیا بی مردم ایران وزمینند

انقلاب ایران از دوسو،
هم از خارج و هم از داخل مورد
حمله و تها و ترسار گرفته و
بیرحمانه کوشش میشود تا کشور
ما با رد بگریه گورستانی
خاموش و بیگانه ای برای
ارتجاع و امیریالیسم تبدیل
شود. از خارج امیریالیست ها

ماجرای گلاهِ ۵۶ میلیون دلاری!



دست چه کسانی در این ماجرا گیر

صفحه ۳

حداقل دستمزد،

تورم و گرانی

صفحه ۳۳

درباره بودجه

۱۳۶۰

صفحه ۳۳

نامه یک

پاسدار

صفحه ۲۷

حقیقت



دهشتانی
صفحه ۱۸

اخبار کردستان

صفحه ۲۹



پاسخ به
خوانندگان



اخبار کارگری
صفحات ۲۰-۱۷

مسئله ارضی و حکومت جمهوری اسلامی

صفحه ۵

بند از صفحه اول

سر مقاله ...

امپریالیستها و وارد شدن در جمع ارتجاع منطقه را فراهم میگردانند. در خارج درباری-های فراری و وابستی و بختیار و هم‌قماشای آنها مشغول توطئه و تحریک و خیانت و در فکر و خیال غصب دو بسماره قدرت در ایران هستند؛ و در داخل هم حزبی‌های خائس؛ بهشتی و اعوان و انصار او و باند منحل و رذل شب‌بوی و شرکاء، مشغول توطئه و تحریک و خیانت اند و در فکر و خیال بسط و تشبیت قدرت غصبی خود بر مردم ایران میباشند.

چه خیال میکنند این دا رودسته، که هم‌کنون نقشی بدتر و موثرتر از نقش ستون پنجم را برای امپریالیستها و یادی تجا و زکا را آنها در مناطق جنگزده و بلکه در سراسر کشور ایفاء میکنند. دقیقاً در همین ماههای فروردین و اردیبهشت امسال، که بهاران خمپاره و توپ و موثک جنایتکاران بخشی بروی مردم بازنمانده در شهرهای اهواز و آبادان و دزفول افزایش بیسابقه یافته، تعدی و تجاوز ایادی حزب جمهوری اسلامی و دولت رذالت پیشه رجائی - نیروی سردم‌بین شهرها نیز بطور بیسابقه‌ای گسترش پیدا میکنند، و روزی نیست که تعدادی از جوانان و هم‌واداران گروه‌های انقلابی را به پستانه‌ای ویایی هیچ بهانه‌ای کلرول نزنند و دستگیر و زندانی نگردانند. چرا که سران خائس حزب حاکم و یادی نابکاران

که برخی از ایشان همگان همکاران و ریزه‌خواران دربار روسا و اک‌پهلوی هستند، بیش از آنکه از آمریکا و تجاوز بعضی‌ها بیم داشته باشند از مردم کشور خود و از انقلابیون و سپه‌پرستان واقعی این مرز و بوم بیم دارند. چرا که بهشتی‌خائس، این صراف ربا خوار کردن کلفت شهرهای آلمان و این جیره‌خوار هویدای معدوم، بگفته خودی حاضرات حتی خوزستان از دست برودولی خدش‌های هم‌سر قدرت غصبی او وارد نیابند. روزنامه جمهوری اسلامی زبان گویای این غاصبان جدید قرار داده‌های افسد ملی و

کا ملا عادلانه و برحق، که از پشتیبانی قاطبه مردم ایران برخوردار بوده و هست. این مقاومت همچون سبلی محکمی است به بناگوش امپریالیست‌های رنگارنگ خصوصاً گس‌رگ زخم‌خورده آمریکا و تماشای ارتجاع منطقه، که در اشتلاف سنگینی علیه کانون جوشان انقلاب (یا بقول صدام حسین مزدور: "فتنه‌گری") درخاورد میانه یعنی ایران و بخاطر دفاع از حاکمیت سلاطین و شیوخ و جیره‌خواران استعمار در منطقه به تنگایا افتاده‌اند. مردم با بدبختی تمام قدرت برقراری این زباله‌های تاریخ‌نگویان و تا آخر ایستادگی نشان دهند

آمریکا خصوصاً در ایران و اواخر خوب آدم‌های خود را شناخته است... برای همین است که فریادگان کنفرانس آمریکا نشی طائف اینبار زک به تهران آمدند دیگر است به سراغ آقای رجائی یعنی حزب و دولت وابسته به آن رفتند و با ایشان وارد مذاکره و بحث را جمع به پیشنهادهای گذاشتی خود شدند؛ و اینکار حتی بدون اطلاع و مشورت با اعضای دیگر شورای عالی دفاع و فرماندهی ظاهراً قانونی جنگ صورت گرفت

و هرگز زیر بار هیچ سازشی بر سر سر خاک کشور و مواضع ضدا مبر- یا لیستی خود نروند. پیروزی در این جنگ، پیروزی راستینی است که به قدرت مردم ایران یعنی بشرط عدم تکیه به رقا پنهانی بر قدرت‌ها و نیافتادن به دامهای آنها بدست آید، نه تنها قوای دموکراسی و استقلال را در کشور تقویت کرده، از این طریق مرگ دا رودسته مستبد و آزادی کش حزبی را هر چه بیشتر خواهد انداخت، بلکه با عت تسریع سرنگونی رژیمهای ارتجائی و دست نشانده، منطقه و گسترش جنبش‌های ضدا امپریالیستی

نواستعماری در همان آغاز جنگ نوشته بود که این جنگ بزبان ایشان و بفتح با مصالح لیبرالها و مخالفان ایشان است، طبعاً بهمین خاطر است که اکنون میخواهند این بدبختی را با انتقام‌کشی از مردم و نیروهای که برخلاف مواجیل بزدل و بی غیرت حزب حاکم و چماق‌دارها بدر شهرهای جبهه‌مانندند و از مصالح انقلاب و کشورشان دفاع کردند تلافی کنند.

مقاومت رزمندگان ما در جبهه‌ها در برابر تجا و زکاران مزدور عراقی و بخاطر دفاع از انقلاب و سپه‌پرستان واقعی است

و آزاد بخوانند در میان مسلح همسا به نرسخواهد گشت. از اسنرو با نددرا این جنگ پیروز شد و بنا بر این با بدهمه امکانات کشور را در خدمت چنین پیروزی راستینی قرار داد.

اما پیروزی واقعی در این جنگ و نیل به اهداف عادلانه آن بدون نبرد با تمامی مظاهراتجائی و خیانتکاران داخلی خصوصاً در قوای حاکمه کشور عبرت‌نمی‌باشد. نمی‌شود با فشارهای که از سوی امپریالیست‌ها و مرتجعین منطقه برای خفه کردن انقلاب و به تسلیم کشا نشین کشور صورت میگیرد مبارزه کرد و در عین حال در برابر تلاش‌های خائسانه اراذل قدرت گرفتاری که از پشت‌تلی انقلاب را فشار میدهند و به تعجیل وارد زمینند با بر قدرت‌ها و تسلیم‌کشور میشوند سکوت اختیار کرده دست روی دست گذارد. واقعیات هنر روز و هر ساعت بیشتر بر این نکته تا کیددارد که بزرگترین خائس به جنگ مقاومت کنونی و اهداف انقلاب همانا حزب حاکم و عمال ریز و درشت آن هستند. بزرگترین اخلالها، تفرقه‌افکنی‌ها و ممانعت‌ها را در بسیج مردم برای دفاع از انقلاب و کشورشان در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها تا حال همینبار مرتکب شده‌اند و همینبار

نقش فتنه‌گرانه ستون پنجم دشمن را در کشور ایفاء میکنند. کارخانه صنایع فولاد اهواز را، که هم‌کنون هزاران کارگر در آن مشغول تهیه بخشی از احتیاجات روزمره و مهم کشور هستند، همینبار دارند تعطیل میکنند. همینبار هستند که هر روز عده‌ای را علیه مردم شهرهای مختلف خصوصاً در مناطق جنگزده و علیه جنگ‌زدگان تحریک میکنند. همینبار هستند که با دزدی از خزانه مملکت مخفیانه از خارج اسلحه وارد میکنند، که حتی یک دانشه فتنه‌گر آنها به صرف جنگ نرسیده بلکه تماماً برای تسلیح مزدوران نشان در (بشبه در صفحه ۲۱)

هما بنظر که ملت ایران اطلاع دارد اخیراً ۶۵ میلیون دلار از بیت المال این مردم ستندیده و محروم به طریقی (!!) که مقامات مسئول از فاش شدن آن کویا تری دارند با لکتیده شده است. بیش و کم همگی مقامات جمهوری اسلامی ایران در پرده پوشی ما چرا کوشش فوق العاده ای میکنند. سخنگوی دولت - بهزاد نبوی - که یکبار میلیاردها دلار از ثروت ایران را یکجا بسته امپریا لیم آمریکا بخشید، مسئله را بسیار ساده جلوه میدهد؛ جناب بیشتی - رهبر حزب جمهوری اسلامی و رئیس شورای عالی قضائی - این امر را زیاده مہم نمیدانند. سرهنگ جواد فکوری - وزیر دفاع - به سراغ امام خمینی میرود و خواستار درز گرفتن قضیه میشود تا با اصطلاح "روحیسه" سربازان در جنگ کنونی پائین نیاید!! و مجلس شورای اسلام می هم دور از چشم مردم - در پشت درهای بسته و در یک جلسه، سری - به مسئله رسیدگی میکنند. گویا همه کس در آن بالا میداند چه اتفاقی صورت گرفته است جز ملت ایران که در این میان میلیونها دلار را از کسف داده است. ملت فقط اطلاعات ناقص محدود و جسته و گریخته ای در یافت کرده است. اساسی بعضی از اشخاصی چون سرتیپ فرسور، حیدری نامی که معلوم نیست چکاره بوده است شنیده ولی به گنه ما جرایبی نبرده است. ما اطلاعاتی در ایستور بدست آورده ایم که بنا بر وظیفه انقلابی خودمان آنها را بسا ملت در میان نخواهیم گذاشت چون تنیাকسی که ما باید مسائل را تمام و کمال بدانند سردم

هستند و بس!

* * *

۱ - مقدار میلیاردها پرداخت شده برای معامله خرید اسلحه بر طبق قرارداد اولیه موجوده ۵۶ میلیون دلار، بلکه ۷۳ میلیون دلار بوده است. اگر چه میس، دولت ایران تعدادی برخی از اقلام را کاهش داده است که ممکن است مقدار واقعی را به ۶۵ میلیون دلار تقلیل داده باشد. در هر صورت در متن قرارداد اصلی مقدار ذکر شده معادل ۲۳۵۵۰۰۰۰ دلار آمریکا است. ۲ - طرفین قرارداد عبارتند از: الف - دولت

میشاند.

۳ - رابط شرکت اینترپارتس در پاریس - که وسیله وی خریدها صورت میگرفتند است - شخصی بوده است بنام احمد حیدری. احمد حیدری کیست و از چه ساکنه ای برخوردار است؟ احمد حیدری از گذشته دور در کار دلالتی اسلحه و قاچاقچی گری بوده است. وی بعد از انقلاب شرکتی تاسیس میکند (شرکت اینترپارتس) که گاهی مواد غذایی وارد میگردد است، ولی کنار اصلی وی قاچاق اسلحه بوده است. میناچی در این شرکت کار میکند. این شخص ممنوع -

ماجرای کلاه ۵۶ میلیون دلاری

که بر سر ملت ایران رفت!!؟

پای چه کسانی

گیر است؟

چرا آقای فکوری فرد مشکوک و قاچاقچی متروقی بنام

حیدری که ممنوع الخروج بوده، را اجازه خروج میدهند؟

اترین ارتش لبنان که حدود سال پیش اعلام اسفلال کرده است و جنوب لبنان را در اختیار صهیونیست های اسرائیل گذاشته است (و اسرائیل در تماس است و برای آنها نیز دلالتی اسلحه مینماید. وی فعلاً از طرف پلیس فرانسه با اتهام آدم زدی و شروع قتل تحت تعقیب میباشد!! دولت ایران با چنین فرد قاچاقچی و کثیفی قرارداد امضاء کرده است و وی تنها با یک امضاء حق داشته است تا از حسابی در "بانک مدیترانه فرانسه" پول برداشت کند. بانک مرکزی ایران پول را به این حساب (شماره ۰۵ - ۲۲۷۰۲۹) واریز میگردد است که فقط به اختیار احمد حیدری قابل برداشت میباشد است. احمد حیدری، یک کلاه واقعی بوده است، مقادیر زیادی به روی قیمت اسلحه های درخواستی ایران میکشیده است. بعنوان مثال یک نوع گلوله، توپ را هر دایم یک دلار گرانت میفروخته است. این امر ۱/۵ میلیون عدد سفارش می دهد یعنی یک قلم ۱/۵ میلیون دلار سود خالص حساب احمد حیدری. (ما انواع سلاح های درخواستی ایران را با خاطر مسائل امنیتی فاش نمیکنیم) با لایحه جناب احمد حیدری تصمیم میگردد که تمامی پول را یک جا بایا لیکشند و این کار را میکنند و فعلاً فراری هستند. وی همچنین برای تحویل گرفتن برخی از اسلحه هائی که از طرف دول فرانسه و ایالتا - لبا توقیف شده، به آنها - بیشتر در شوه از طرف دولت ایران کرده بود.

۴ - در اخبار شنیده میشود که سرتیپ علی اکبر فرسور در کودتای نوزده دست داشته است و جناب بیشتی هم فرموده اند صحیح نبود وی مسئول خرید ارتش باشد!! چه

ایران - نماینده دولت ایران معاون وزارت دفاع - شخصی بنام سرتیپ علی اکبر فرسور بوده است که برای قرارداد امضاء گذارده است. ب - شرکت اینترپارتس (INTER PARTS) که در ایران تشکیل شده است. دفتر مرکزی شرکت در خیابان وهرام شماره ۲۵ واقع است. نماینده این شرکت شخصی بنام میناچی (برادر در کسر میناچی - وزیر سابق ارتش ملی) بوده است که نمای این شخص نزد برای قرارداد اولیه

خروج بوده است. ولی در تاریخ ۵۹/۷/۱۵ به درخواست سرهنگ جواد فکوری - وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران - اروی رفع مسرعت خروج از ایران میگردد و بنا میرده به پاریس رهسپار میشود. در پاریس وی در هتل محصل و معروف "ژرژ - ۵" دفتری برای خود اجاره میکند با منشی ریند و ساط!! وی برای محافظت شخصی ارجود ماهانه ۳ هزار دلار خرج کارد محافظ میگردد است. وی همچنین با گروه سعده داد (سرگرد سعده داد از

مسئله ارضی و حکومت جمهوری اسلامی

چگونه میتوان اصلاحات ارضی نکرد؟!؟

به آن، بتدریج خود را سه طرح جدید جمهوری اسلامی، یعنی طرح رضا امضا نی معطوف نمود. طرح رضا امضا نی کدیطور مشروط و بخشا منافع جنبش دهقانی را منعکس مینمود، نتوانست در درکشا کثی مبارزه در قدرت سیاسی درون هیئت حاکمه دوام آورد و بتدریج جای خود را به لایحه جدید ارضی داد. لایحه جدید که در اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ تصویب شد بر مبنای لایحه ایزدی تنظیم گشته و در عین حال برخی از جوانب طرح امضا نی را در خود جای داد. ما در همان زمان به ما هیئت ضدهقانی و ارتجاعی لایحه ارضی جدید اشاره نموده (ضمیمه حقیقت شماره ۱۳۰۲۴ خرداد ۵۹) و برخلاف پشتیبانی همه جا نبیه رویزیونیست های توده ای - اکثریتی از آن، مخالفت خود را با لایحه فوق که قاعدتاً در بهیاسخ - گویی به مسئله ارضی انقلاب دوم ما نمی باشد، اعلام نمودیم. در عین حال برخلاف سایر نیروهای مبتلا به اپورتونیسم چپ نما - نی تروتسکیستی، خاطر نشان ما ختمیم که مخالفت ما با لایحه مذکور محدود به جنبش دهقانی و کمونیستهای واقعی نبوده و بلکه از جانب محافل نشودالی نیز برخواهد خاست. نوشتیم که: "در عین حال از جانب دیگری نیز امکان مخالفت با این قانون میباید شد، در این مورد نیز باید هوشیار بود. و آن مخالفت ما لکن و فشو - دال هاشی است که خواهنا خواه (مانند دوران "اصلاحات" ارضی شاه) می بایستی قریبانی طبقه خود، بمنظور نجات آن، شایده و مقداری از زمین های خود را در کثاکش مبارزه حاد سیاسی کنونی بر سر قدرت سیاسی، زکف بدهند." (هما نجا)

نشودال ها و روحانیت و مراجع تقلید و وابسته به آنها، با توجه به تجربه سال های "اصلاحات ارضی" شاه، با توجه به سه سال زماندهی و تشکل نسبی شان بویژه در شورا های کشاورزی استانهای مختلف بویژه استان تهران، حاصربه قدا نمودن بخشی از امتیازات خویش نشده و از همان آغاز تصویب لایحه ارضی جدید سعی در تبدیل تماموعیار آن بد لایحه ارضی ایزدی نمودند، در مقابل دهقانان که به لایحه ارضی جدید، با توجه به جنبش تبلیغاتی نیروهای مشروعه گرد بر راه آن، بعنوان لایحه رضا امضا نی، که وعده اصلاحات ارضی به نفع دهقانان را میداد، نگریسته و خواهان ادامه مبارزه برای معادله اراضی نشودالها و تقسیم آن شدند.

تجاوز آمریکا نی عراق به انقلاب و میهن! تقسیم زمین های نشودالی توسط برخی از هیئت های ۷ نفره که خارج از اولویت های لایحه ارضی صورت پذیرفته بود، و همچنین ادامه و توسعه سیاسی مبارزه دهقانی بر علیه نشودالها و اردوستان بر سر زمین و محصول آن متعربه توقف در اجرای لایحه ارضی ارتجاعی حکومت جمهوری اسلامی شد. ایی توقف که بعنوان توقف موقت در اجرای بند "ج" (یعنی اراضی بایر نشودالی) مشروف گشت، نتیجه منطقی بن بست های اساسی در لایحه ارضی کنونی در حل انقلابی مسئله ارضی است. سعبارت دیگر بن بست کنونی در اصلاحات ارضی، ارتکظ بر ریند در ما هیئت لایحه ارضی کنونی و ارتظردگر ریند در ما هیئت مستبدین نوین مشروعه گرد دارد. (تبقیه در صفحه ۱۶)

سر نوشت انقلاب دوم ایران را هم اکنون با سر نوشت سه مبارزه اساسی کره خورده است. مبارزه بر علیه تجاوز آمریکا - نی عراق، مبارزه توده ای مردم بر علیه استبداد دلالان مشروعه گری و بالاخره مبارزه توده ای دهقانان ایران بر علیه نشودالیم و بخوا طرز زمین در جامعه روستایی ما، بدون نریدید سه مبارزه اخیر بویژه از نیمه دوم سال اخیر تا کنون، مسائل اساسی جامعه را تحت الشعاع خویش قرار داده اند. مبارزاتی که بیان کننده مضمون اساسی انقلاب دوم ایران، یعنی کسب دمکراسی و استقلال بوده و چگونگی رشد و تکوین آنها تا ثیر بر رشد و تکامل انقلاب دمکراتیک ملی کنونی ما خواهد گذاشت. مبارزات فوق از یک طرف بدون ارتباط با یکدیگر و بطور جدا از هم در جریان بوده و از طرف دیگر هیچکدام از یک رهبری انقلابی برخوردار نیستند. بویژه جنبش دهقانی بر علیه مناسبات نشودالی و ما قبل سرمایه داری و مالکیت ناشی از آن، در مجموع بطور خود بخودی در جریان بوده و برخلاف دوم مبارزه دیگر از یک رهبری حاد قلی برخوردار نمی باشد. طبقه کارگر ایران که از اسفند ماه سال قبل بر علیه خود کارگانی مستبدین دلال مفسد مشروعه گرد، که بگرد حزب جمهوری اسلامی حلقه زده اند، خویش نویی را آغاز کرده است، هنوز وارد محنه سیاسی نشده و بدون ارتباط با سه مبارزه اساسی جامعه ایران مبارزاتی جریان می یابد. انقلاب دوم ایران، برای به سرانجام رسیدن، نیازمند رهبری طبقه کارگر است. طبقه کارگر برای اعمال رهبری خویش نیازمند زدودن نظریات رویزیونیستی و اپورتونیستی "چپ" و متحد کردن صفوف خویش و بالاخره تشکیل حزب سراسری خود می باشد. حزبی که بمنظور به سرانجام رسیدن انقلاب دوم، می بایستی مبارزه برای دمکراسی، استقلال و زمین را، که هم اکنون بطور وسیعی در جامعه ما جریان داشته و سایر مسائل را تحت الشعاع خویش قرار داده است، رهبری نموده و تکامل را دهد. حزبی که میبایست برای به سرانجام رسیدن قطعی انقلاب دوم ما، اتحاد طبقه کارگر را با دهقانان ایران بر مبنای انقلاب دمکراتیک ملی کنونی، برای گذار به سوسیالیسم عملی سازد.

جنبش دهقانی میهن ما بطور کلی در نیمه دوم سال گذشته و بطور اخص آذر ماه ۱۳۵۹، یعنی از زمان توقف اجرای بند "ج" و اردخیزی سوین شده که هم اکنون نیز جریان دارد. مبارزه دهقانی بر علیه نشودالیم و مالکیت ناشی از آن، در دو مین انقلاب ما بدنهال تا ثیر انقلابی مبارزه در شهرها، بویژه از تابستان سال ۱۳۵۷ رویه توسعه و ریندنها داد. این مبارزه در سال ۵۸ بیز توسعه بیشتری یافته و بویژه در مخالفت با لایحه ارضی ایزدی در دولت موقت ادا م یافت. مبارزه دهقانی بر علیه نشودالیم با رشد مبارزه فد مبریا لیستی در نیمه دوم سال ۵۸، که منجر به سقوط دولت موقت شد، گسترش بیشتری یافته و سد کنار گذاشته شدن لایحه ارضی ایزدی انجام میدهد. جنبش دهقانی که تشنه و نیازمند حل انقلابی مسئله ارضی بود، در ارتباط فقدان رهبری طبقه کارگر و توجه جدی کمونیست ها

چگونه میتوان ...

نکته ای کوتاه در کارنامه، اصلاحات ارضی حکومت جمهوری اسلامی که با سایر دوران سنیست قدرت مستبدین بورژوا - فئودال نشونی صورت پذیرفته، ابتدا دین بست کنونی را در حل مسئله ارضی سان میدهد. کارنامه مستبدین بورژوا - فئودال نسبی، که داعیه انجام اصلاحات ارضی را دارند، بخوبی سار کمنده اسعاد و غین ادعای آنان می باشد.

جدول شماره ۱ بخوبی نشان میدهد که مستبدین "نویسن" حاصه، اساساً بر ماهیت بورژوا - دلالی وانگلی اشان، که ریشه در مساوات نیمه فئودالی و ماقبل سرما به داری در جامعه مسا دارد، فادرسه انجام یک اصلاحات ارضی واقعی نیستند.

نخا و زقرا کرسمه و از کشت در آسما جلو کبری منمودند. هیئت های ۷ نفره بجای حل قطعی مالکیت این زمین ها سوددهقا - نان کم زمین ویی زمین، سسین سرنوست آنها را موکول سه آینه نموده و با نثوه کد خدا منشی! ما بین دهقانان و فئوس - دالها، روستا نیا ن زحمنکش بطور موقت به کشت در آن مشغول شده اند.

دریک کلام اساسی واگذاری زمین از جانب هیئت ۷ نفره بر مبنای لایحه ارضی جدید، مسکوت گذاشتن حل مسئله زمین و موکول نمودن آن به آینده بوده است!

۲ - تا آنجا شیکه زمین بطور دائم از جانب هیئت ۷ نفره تقسیم شده، اساساً در زمینها ارضی موات بوده است. این نوع ارضی نه در گذشته و نه در شرایط کنونی در دست مالکان فئودال نموده و مبارزه، دهقانانی بگردگسا این نوع زمین جریسان نداشته است. بطوریکه جدول ۱ نشان میدهد حدود ۱۴٪ از زمین های واگذار شده در سال گذشته، به دهقانان کم زمین ویی زمین از زمین های موات بوده است. این نوع زمین ها بعلت فقدان سابقه کشاورزی، نیازمند نیروی انسانی قابل ملاحظه ای

جدول ۱ - بررسی کارنامه اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی تا آذر ۵۹

انواع زمینهای تقسیم شده	شبهه تقسیم	مساحت زمین تقسیم شده (هکتار)	قشرهای دریافت کننده زمین	% بدکل زمینهای تقسیم شده	ملاحظات
اراضی مالکین فئودال (بند "ج" و "د")	موقت یکساله	۸۵۰۰۰۰	دهقانان بی زمین و کم زمین	۷۸	برای کشت سال ۵۹ تا شعبان تکلیف نهائی
اراضی موات (بند "الف")	دائمی	۱۵۰۰۰۰	"	۱۴	برای مدت چند سال بدون حق انتقال و خرید و فروش
اراضی موات (بند "الف")	دائمی	۵۹۰۸۶۳	سازمان کسوت و خدمات تولیدی برای واگذاری بدیلعه ها و بسیایبیه ها	۵	"
اراضی مالکین فئودال و مزارع دره شده در انقلاب (بند های ب، ج، د)	دائمی	۲۵۰۰۱۵	دهقانان بی زمین و کم زمین	۲	اکثریت فاطح این اراضی، اراضی مزارع دره شده در انقلاب است (یعنی بند "ب")
کُل	دائمی و موقت	۱۰۷۸۹۴۰۰	-	۱۰۰	

(منبع جدول : کارنامه ۸ ماهه ستاد مرکزی هیئت های ۷ نفره واگذاری زمین - صفحه ۶)

وبویزه سرما به کافی بوده که از جانب دهقانان کم زمین بی زمین، که استخوان بندی اصلی دهقانان فقیر ایران می باشد، قابل تا مین نمی باشد. علاوه بر این با توجه داشت که واگذاری زمین بطور دائم از جانب هیئت ۷ نفره برای مدت معینی (یعنی برای مدت چند سال بنا بر شرایط خاص محلی) بوده و فقط در صورت کنا و رزی مطلوب واگذاری آن تمدید میشود. یعنی حتی زمین های موات نیز بر مبنای لایحه ارضی بسسه مالکیت دهقانان در نیا مده و فقط برای مدت معینی به آنها واگذار میشود. با توجه به کیفیت اراضی موات و بسسه افتخادی دهقانان فقیر، سرنوست آتی دهقانان فقیر بحوسی روشن است. از کف دادن این زمین ها و سایر دیگر بیوستن به خلیل دهقانان بی زمین!

(بقیه در صفحه ۷)

عملکرد اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی که تحت رهبری مستبدین دلال صفت مشروعه گران آذر ماه ۵۹ پیاده گردیده، در برگیرنده چندین نکته آموزنده است:

۱ - اساسی فعالیت هیئت ۷ نفره در زمینه واگذاری زمین بطور موقت برای کشت سال گذشته بوده است. بحسب آرت دیگر ۷۸٪ زمین های واگذار شده توسط هیئت ۷ نفره بطور موقت و آنهم مدت یکسال بوده است! این نوع فعالیت هیئت ۷ نفره در خدمت مسکوت گذاردن حل مسئله زمین و موکول نمودن آن به آینده است. زمین ها شیکه بطور موقت به دهقانان واگذار شده، اساساً زمین های مالکین فئودال (بند های "ج" و "د" در لایحه ارضی) که بیشترین مبارزه دهقانانی در سال گذشته در آن جریان داشته است، می باشد. این زمین ها که از جمله توسط دهقانان مزارع دره شده بودند، از جانب مالکین مورد تعدی و

چگونه میتوان...

جنبه دیگری از تقسیم زمین بطور "دائیم" در میان دهقانان آن بی زمین و کم زمین اراضی غیرموات، یعنی اراضی صادره شده در جریان انقلاب (اراضی بند "ب") و اراضی مالکین فئودال کنونی (اراضی سند "ج" و "بند" د")، به میزان بسیار زیاد است. یعنی حدود ۳۰٪ از کل تقسیم زمین از جانب هیئت ۷ نفره در زمینده اراضی فوق الذکر، که ب اصلی زمین های مررومی ایران بوده، می باشد. از این میان، قسمت اعظم این تقسیم اراضی بند "ب" بوده است، در حالی که در شرایط کنونی عمده سایر زمیندهفانی بر جنبه مالکین ارضی فئودال و بخاطر کسب اراضی صادره شده، آنان یعنی اراضی بند "ج" (بایر) و بویژه اراضی بند "د" (دایر) می باشد. در نتیجه ابعاد تقسیم این نوع اراضی یعنی بند "ج" و "د" در کارنامه هیئت های ۷ نفره بسیار کمتر از رقم ۳٪ بوده و کاملاً ناچیز می باشد. بویژه اگر ساخت اراضی تقسیم شده های "ب" و "ج" و "د" را، که تقریباً ۳۵ هزار هکتار شامل میشود، با مساحت کل زمین های مورد بهره برداری جامعه روستایی ایران، که به مراتب بیش از ۱۵۰ میلیون هکتار می باشد، مورد مقایسه قرار دهیم، اسناد بسیار ناچیز تقسیم اراضی بطور "دائیم" از جانب هیئت ۷ نفره کاملاً روشن میشود!

حین اسناد بسیار ناچیز تقسیم اراضی "دائیم"، که تحت رهبری و حاکمیت مستبدین دلال صفت و ضد ملی مشروع کرده گردید، سبب لایحه ارضی کنونی صورت پذیرفته، بخوبی بیان کننده، عدم تمایل انسان در حل بنیادی مسئله ارضی است. لازم به تذکر است که همین تقسیم بسیار محدود اراضی زمین های مالکین فئودال، در درجه اول مدیون "زیاده روی" برخی از هیئتهای ۷ نفره در برخی مناطق می باشد. این هیئت ها خارج از ولایت های مطروحه در قانون عمل نموده و اقدام به واگذاری فوری اراضی مالکین فئودال یعنی اراضی بند "ج" و "بند" د" (که قرار بوده بعد از تقسیم اراضی سند "ب" و "الف" و در صورت لزوم صورت پذیرد) نموده اند! و این خود احوال اساسی توقف در اجرای لایحه ارضی، بمنظور جلوگیری از "تندرویهای" برخی از هیئت های ۷ نفره، بوده است.

کارنامه هیئت های ۷ نفره را خلاصه کنیم. در یک کلام بایده گفت اساس کار این هیئت ها مسکوت گذاشتن حل مسئله زمین و موکول نمودن حل آن به آینده بوده است. بنابراین دیگر بجداجدا نمی، پس دهقان و مالک ارضی فئودال، جسده اصلی کارکرد این هیئت ها بوده است. بهر آه آن، همزمان بسیار محدود و ناچیزی (که حتی بطور رسمی از عملکرد "اصلاحات ارضی" نام نیز عقب مانده است) از اراضی مالکین فئودال تقسیم شده که این تقسیم خود احوال مهم در توقف اجرای لایحه ارضی بوده است!

حل بنیادی مسئله ارضی در ایران، که از نوع دهقانی بوده و بر بنیاد انقلاب دمکراسک ملی بنا را تشکیل میدهد،

بنا بر سند دوین یک بر نامه، ارضی انقلابی بدوین لایحه ارضی سپردن لایحه ارضی کنونی است. تدوین این بر نامه های منوط به سرنگونی قدرت سیاسی مستبدین دلال صفت و ضد ملی کنونی و تشکیل یک حکومت انقلابی دمکراسک و ملی می باشد. سرنوت میارزه کنونی دهقانان در روستا در درجه اول بستگی به سرنوت مبارزه سیاسی جاری در شهرهای ایران دارد.

در عین حال حامیان استبداد "کهن" و همچنین حامیان استبداد "نوین" یا مضمون کهن "چشم بدروستا دوخته و هر کد امعی درخا موش نمودن نعله های جنبش دهقانی (که حدود سه سال است از روستاهای ایران زمانه کشید) نموده و میخواهند این جنبش را تبدیل به دنباله جد خود برای حل و فصل و غلای نزرگ کنونی) سر قدرت نما بند. سوار شدن مشروع گرا کنونی جامعه، ما بر جنبش کنونی دهقانی، که امروزه بگردد برای سند "ج" گسره خورده است، مهم ترین خطری است که امروزه جنبش دهقانی را تهدید مینماید. یعنی منحرف نمودن جنبش دهقانی از حلال انقلابی مسئله زمین، یعنی تقسیم انقلابی اراضی مزروعی ایران که لب مطلب در حل مسئله زمین بوده و معروف به بندهای "ب" و "د" میباشد، به حل مسئله زمین از طریق اجرای بندهای "ج". آنچه که مبارزه دهقانی در ۳ سال گذشته بر مبنای شکل گرفته است، مبارزه بخاطر کسب اراضی مزروعی در جامعه روستایی، که لب مطلب در حل مسئله زمین می باشد، به نفع خویش بوده است. بخشی از اراضی مزروعی ایران که در جریان انقلاب صادر شده (و معروف به بند "ب" می باشد) هنوز به نفع دهقانان تقسیم نشده و روابط نیمه فئودالی، البته به شکل تعدیل یافته نسبت به دوران طاغوت، در آن از جانب بنیادهای مشروع و غیر بطور رسمی ادامه دارد. بخشی دیگر از اراضی مزروعی ایران که هنوز در بد مالکین فئودال می باشد (معروف به بندهای "د")، صادره شده و مبارزه دهقانی برای کسب آن جریان دارد. در نتیجه لب مطلب اصلاحات ارضی انقلابی به نفع دهقانان، تقسیم اراضی مزروعی ایران، یعنی تقسیم اراضی بند "ب" و "بند" د" می باشد. تقسیم اراضی بند "ج" (که اراضی بایر مالکین فئودال است) از خواست های مهم دهقانان مبنی ما بوده و می بایستی به نفع آنان تقسیم گردد. بویژه آنکه قسمت قابل ملاحظه ای از اراضی بند "ج" قبلاً جز اراضی دایر (یعنی بند "د") بوده اند که در سال های گذشته از جانب مالکین مورد کشت و بهره برداری قرار گرفته اند.

و لطیفه کمونیست ها و انقلابیون در روابط کنونی بنیادی از خواست دهقانان مبنی بر اجرای بند "ج" و در عین حال مبارزه با محدود نمودن جنبش دهقانی به اجرای بندهای "ج" می باشد. کمونیست ها می بایستی مبارزه دهقانی بگردد اجرای بند "ج" را در مبارزه بگردا اجرای بند "د" و همچنین بند "ب" ارتقا دهند. لایحه ارضی کنونی، همانطور که ما در مطالبه خاطر نشان نموده ایم، ما در بنیاد سخن گوئی به خواست های فوق الذکر کنونی نبوده و مبارزه کمونیست ها نمی تواند در چارچوب لایحه ارضی کنونی صورت گیرد. وظیفه کمونیست ها شرکت در مبارزات دهقانی برای جامعه و رهبری آن، ارتقاء آن و بالاخره حل مسئله ارضی توجیه بطور های دهقانی نکردن بر نامه اصلاحات ارضی انقلابی می باشد.





ساختمانها اجتماع میکنند
 ساکنین چیدمان مسکنها را
 آرا میدهند. کما ووزان زندانی
 حی در بنای کدها را
 دادگاه مسکنها را
 مسکنها را: "زمین حاصلخیز
 مسلم ما من کدها به روز رحمت
 کسیدم و چشمها سطر سودم تا
 به دست اسفندمان جان را بیرون
 کردم. حالانکه اسفند را هم ساخت
 همای و منای که دارم
 زمینها را بگیرد. آیا حتی
 در دادگاهها قطعاً بدخلواسن
 خاکستری استند استندند.
 حال این است که
 صریحاً اینها را
 مکان و... عملاً ادای مالک و
 ارباب در درامد و در وجود
 اما اینها را
 معادله شده پیدا کنند. اما نتوان
 زمین را آن دهقانان
 بکنان است که سالها بر حور و
 در اینها با دست
 سه سه سال زحمت کشیدند و
 زراعت کردند. در نتیجه دهقانان
 با اینها در
 با اینها در
 رفته. بی نهایت اینها
 مشکلاتی در دهقانان و ارباب
 است. اینها را
 امکانات سرخسند. دیگر
 دهقانان این روستا بر حور
 معالمان است به
 معالمان این روستا در طی
 اینها را
 از خانه‌ها تا آوار شده اند
 که گاهی با آرزوی کرده اند و
 از اینها
 اینها را
 زکات. اما در حقیقت مکان
 گذاشته اند. همچنین تا حال
 بارها در اینها و زحمتکشان
 استقلال این روستا به
 برای اینها و سوسنگرد و در قبول
 رفته اند. تا از استقلال میبایست
 خود را بر اینها و زحمتکشان
 عراقی و همه آنها را از
 با عدالتی
 (بها را از اتحادیه کسو -
 مسئولان ایران - شوشنر))

روستایچ ظایفه روستایی
 میکنند. نرا بر این بود که در
 هر طایفه یک نما شده است
 بود. پس از آنجا که اینها را
 ساخته اند. یکی از طایفه‌ها را
 رد کردند و این خود را
 برای درگیری نرا هم آورد
 (این شورا که نرا بود هم
 شست واکذاری زمین
 روستا نشان محل (کسا و رواب
 محل) باشد. به نفع آنکسی از
 آنها زمین داد و ندادی که
 تا صریحاً از زمینها
 اسلامی محل داشتند. مندیاری
 از زمینها بیرون خود آنها
 کف کردند. در نتیجه دهقانان
 که وضع را بدین صورت دیدند،
 در جلسه ای گرد آمدند و
 اعتراض به این نحوه تقسیم
 زمین جهت کشت قسم خوردند که
 یکی از صاحبان محض اسلامی
 و... را با اینها نرا
 درگیری در حقیقت انتخابات
 یا سارا را می از شورا
 بدینها را می از شورا
 عکس العمل بدین
 ظاهره یکی از اهالی می -
 گوید: "خان را بیرون
 حالا ما (منظور از محض اسلامی
 و کشته و...) میخواستند
 آنها را بگیرند". و در سال
 آن یا سارا را کور را کنگ می -
 زدند. بلافاصله خود را
 منوید و اهالی روستا همگی در
 حور و هوس معترض
 و ندادند. اینها را
 میکنند توسط
 اهالی ما بگری
 اوضاع نوقتاً آرام
 درگیری اینها
 توسط یا سارا را کور. ۱۵ - ۱۵
 نرا را اهالی حقیقت مکان
 رستان مؤسسه یا سارا را
 نرا را
 حور و اهالی روستا در حور

بقیه از صفحه ۸
دوران شاه...
 های کذا می که در
 سوزوا - دلالتی در جامعه
 موجود می آورد. الرام آوست
 و برای اینها روستا
 می شود... این دور
 کوهها را می دهد.
 دهقانان ایرانی
 هر چه میخواستند
 سده و او را روشن
 ۳۰۰ تومان پول
 دردی از دردهای یک
 مناسبات عقب مانده
 کند. سیاست
 رحالتی - و حزب
 سیاست تغییر
 بلکه سیاست
 کیش و ایجاد
 آوری سریع -
 دلالتی - برای
 کردن ارگان
 پایه نظام
 المللی است.
 دهقانان ایرانی
 خودشان تکلیف
 کیرند و برای
 و رفع مشکلات
 و سارت نفع
 بها حیزند.
نمونه‌ای از...
 نرا رسیده بود.
 و درگیری
 سدا و رسید
 این درگیری
 با دولت
 شوشنر و کشته
 ایجاد کرده

بقیه از صفحه ۸
 هیئت ۷ نفره
 سا زندگی فرار داده
 بسع حویث
 زد. قطعاتی از
 در روستاهای
 زمین کشاورزی
 روستای بنی
 روستای سلطان
 در روستای
 ۵۵ هکتار - در
 بیکی ۵۰ هکتار -
 سوحه ۳۰ هکتار -
 کیسه ۲۰ هکتار.
 همچنین
 افسامی را
 های کلبه،
 با صدی...
 این مطلب
 سارتکی آقای
 نما رجمه ۵۹/۱۰/۲۶
 جامع را
 تبلیغات،
 لیستی از
 جها دگشت
 با بدگفت
 روش اسلامی
 هر چند
 هفت نفره
 کنون اقدام
 فتودا لیا
 مورد حجاب
 ولی منظور
 اینچنین
 ای در حقیقت
 بیست و
 آنها از
 ما شدند.
 در فکر
 نشود
 در رود
 فتودال
 اساسی

اندک‌حدیث افاضات بدیع و اندر حکایت و نایب طریف

اندک‌حدیث قابل مکتبی و مقتول لبرال

مسلمان روزی تا مسلمان صبح آزادگان معترف حضور همه خوانندگان محترم هست. این روزی نامه که بدون اغرای یکی از برنبراز سربازان و یرواحا سده سرباز جراب عصر "مکتب" و "مقتول" (!!) میباید (با ترازی در حدود ۳۰۰۰!) مدنی بود که منتشر نمیشد و بیمنی جهت نمایی اقتضای طغیان مکتبی و مدح سارشی (البته حظ سازش با انقلاب) ارگردا سندگان انقلابی" جادر وحدت گرفته تا باج بکیران میدان خراسان و دلانان صد لبرال با زار، در تکرایی و آفری بر سر سیردند، البته بعد از مدتی، با درج شدن یکی دو خبر در بعضی از روزنامه‌ها، معلوم شد که علت وقوعه در اشتراک این جریده، وزیر (!) هانا ضیق وقت دست اسدر - کاران تهیه آن است، چرا که بعضا در حاس ترین معامات کشوری و لشکری مشغول "خدمت" بوده و آنقدر از برای مکتب و ملت "دل میسوزاند" و وقت صرف میکنند که حتی فرمت سیر خاراندن هم ندارند چه رسد به انتشار فرمت آن روزی تا سه معروفه! اگر سار و رندار بسند، داستان آقای کمال کنجشای اشاعت کننده مدعی ما است. ایشان که از سوی سندگان طیار اول جریده، سرمد، مسیح آزادگان میباید، طی یکی دو ماه گذشته سخت گرفتار رسیده - اند، اول از همه، دستا چسب

سردان در دست، که بر صیای مدارک دست آمده فردی که فر ولسرال و مصادیق هم رسیده، متداری گرفتاری برای آتا کمال در دست کرده و نسبت عدی، بر سر صلیب کراسد خانه (که از مسائل مهم سلکسی است) جدا کردن تا اسدر ایشان سردا حنه و چون آنسا کمال اصلا مادی نبوده و الحمد للهِ اهل چرتکسه

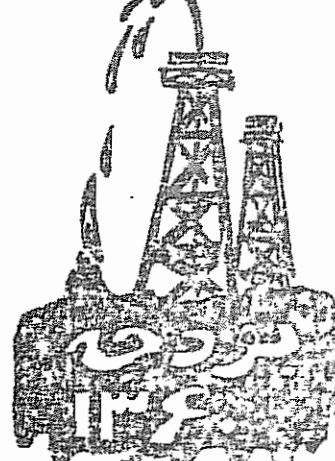


اشد حتی هم نسبت و بر سر مصالح مملکت و اصول مکتب هم حاضر به سازش نمی باشد، سخت از اعمال ما مفا مایین مسنا حر لبرال بختم آمده و پس از مسل کردن یک عدد مری و البوم، برای سکسی اعصاب، مساجرا با سبک کللوله، سربسی با نابل راهی آن دسا کرده است! اما اگر فکر کرده اند که لبرال میباید دست بردارند و دستگیرند آنها کمال سداکارهای مظلومانی و فرهنگتی و ارسا دملت واعصاب مافقی سپردا زده سخت در اشتبا هید، خیر! رمتدورن آن لبرال را فرمت ناندند تا سرود و سکا سب کده رسد هم ما "بریده ساری" باعث شدند که آتا کمال بدام میباید متسند، بیمنی دلیل، از ان مدعیی است که اسار در سیرا سبی

رست سمول آب خنک خوردن است! پس می بیند که گرفتاریهای این نویسند - کان "دلسوخته" مکتب و "خدمتگزاران" (!!) یکی دو تا رسیده، بسیار فراوان و سنگین است و دردی و آدمکشی گرفته تا بر رفته ساری و وطن - فروشی را شامل میشود و تصدیق میفرما شد که با این همه متا غل شریف (!) و مفید بحال اجتماع (!) از یک سو، و کار شکتی لبرالیا و منسا - نقی و کفا را ز سوی دیگر، کمترینی برای تهیه مقاله و انتشار روزنامه مسی مانند.

باب بودجه

ورق پاره، مسج آزادگان بتا ریح ۱۹/۲/۶۰، سرقا له ای در باب لاسحه، بودجه سال ۱۳۶۰ داست. سوسنده استدا از جنبه های بسیار "مشکوک" بودجه و اینکه در آن توجه سراسری بدکتا روزی شده



است (!!) و در عین حال سوددها را خورم زانست آدم با دشمنان آسوزکارهنگام خدمت لاسحه، سونجه ۱۳۵۷ بی - ایستاد و سرمد سخن را رسیده و

سین بدجل تا لبرالیا می بردا ردوا برادات آنان را سه لاسحه، فعلی "رد" کرده و آنرا توطئه ای برای تضعیف دولت مکتبی میخوانند! (جالب توجه حرب رسیده که علاقه، و آفری بدتوطئه شماری دارد!) بخش - هائی از این سرقا له بشرح زیر است:

"۱۰۰۰ - امروزه تعدادی که در حقیقت با نک مرکزی را نیز در بر قدرت حسود دارند، تبلیغ میکنند که دولت ما بد حتما در عوض افزایش صدور نفت اقدام به قرض گرفتن نماید (!) در آن صورت و استغنی ها به بانک مرکزی که در حال حاضر نیز کاملا در اختیار دولت قرار ندارد، زبان - هائی را سار میا ورد کند کوشه فکرا ن و کج اندیشا ن از زمان روی کار آمدن دولت در انتظارش بودند، ۲ - قرض گرفتن از بانک مرکزی و وابسته شدن حدود ۸۰٪ از بودجه دولت به این بانک باعث بی - اعتنا شدن دولت در جهان و بی ارزش شدن رسال در بازارهای جهانی میسودد.....

۳... آیا آنچائی که با حیره سرب های خود ۵۶ میلیون دلارا زست المال این ملت ستم دیده را جهت خرید سلاح به سبک سیمار میدهند تا برایشان سلاح بخرد، مندر پیش آمدن حسن وضعی (افزایش تخریبها) و افزایش رسیده مورد سده در فرمت سن ۵۶ مایون دلارا هدا شکی رسیده در صفحه ۱۱

اندوخت...

آقایان لیبرال بیه دلان لبنانی... (این بلیغ) در بودجه سال ۱۳۶۰ منظور نمیگردید و در آن صورت احتیاجی جز نیز بها افزایش مدور نداشت تا ۲۱۵ میلیون بشکده در روز شنبه ۱۳۶۰

والله ما نجا که ما بحثها را دنبال کرده ایم، هیچ کس وحشی لیبرالها هم تبلیغ نکرده اند که بجای افزایش مدور نداشت، باید از بانک مرکزی قرض گرفت و ۸۵٪ بودجه را تامین کرد! فقط آقای بنی صدر (که مقصود نویسنده از آن "تعدادی" است که بانک مرکزی را در قدرت خود دارند) اشاره کرده اند که تا بین هزینه های جاری دولت از طریق افزایش مدور نداشت، همانقدر تورم را است که قرض گرفتن از بانک مرکزی و جاباکناس سی میتواند. که البته این هم بحث صحیح و در عین حال بسیار بیش با انتقاد و واضحی است.

اگر هم کسی مدعی شده که در شرایط فعلی برای تامین هزینه های جاری دولت باید از بانک قرض گرفت و ۸۵٪ بودجه دولت را بابت بانک مرکزی وابسته کرد، مسلم است سدا سید که یا مغز خورده است و یا بیما روانی می باشد و نطقا در سیمارسان چپرازی ستوری است!! خدا جاب سمرقانه نویسی با بد از عقل و

چون وتوه استدلال خارق العاده ای برخوردار باشند که با استناد به پیشنها دآنچنانی یک بیما روانی (الطرح "بدیم" وابستگی به بانک مرکزی ایران" (۱)) را رد کنند و در مقابل طرح "غیر بدیم" و کینه شده وابستگی به کارشل های نشئی و جهان امبرالستسی را از چننه، پاره پاره، خوبس برآورد، ما متقا بلا میتوا - نیمه نویسنده محترم اطمینان خاطر بدیم که این بودجه نوع محمدرضا شاه، نه تنها باعث "بی اعتبار شدن دولت در جهان" نمیشود که هیچ، بلکه طعنا مایه سرفرازی و ارچ

سؤال هفته

چرا دانشگاهها بازمی شوند؟!

باسخ درست را از میان جوابهای ذیل علامت بزنید:

- ۱ - انقلاب فرهنگی هنوز تمام نشده است
- ۲ - انقلاب فرهنگی هنوز شروع نشده است
- ۳ - فدا انقلاب نمی گذارد.
- ۴ - "متخصی" کم داریم.
- ۵ - سایر فعا لیتیا ی "مکتسی" می خواهد.

خوب فکر کنید و بعد از فکر کردن و انتخاب پاسخ درست به صفحه ۲۶ رجوع نمائید تا جواب صحیح را دریافت دارید.

ترب و هر چه بیشتر تدوین کنند. کان آن نزد سران ممالک سرمایه داری و صاحبان شرکت های نفتی و غیر نفتی بوده و نیز مویحات نویسی و نقدیر هر چه بیشتر از جانب



بازی حضرت موسی بوده است! او میخواهد مردم بمسولانند که گویا برای تامین این ۶۰ میلیون دلار بوده است که دولتیا مکتسی ناچار شده اندیکمال تمام، یعنی

۳۶۵ روز، روزی ۲/۵ میلیون بشکده نفت از ذخا شرابین مردم بیچاره را به حلقوم نفت خواران جهانی بریزند! کافی است بدانیم که اگر تا مین ۵۶ میلیون دلار از زمره نظر باشد، کافی است فقط یک بار، ۱/۸ میلیون بشکده نفت بقیمت بشکده ای ۳۴ دلار فروخته شود، سه ۳۶۵ بار و هر بار ۲/۵ میلیون!!

خود ما نیم، گذشته از دروغبردا زوجانی و شکنجه گرو وطن فروش بودن، دست اندر کاران صبح آزادگان را از عقل و شعور و تعادل روانی و قدرت ضرب و تقسیم ساده ه

در باب قطع وابستگی

آقای معاون فرماندار آبادان فرموده اند که بمباران پالایشگاه آبادان روند نا بودی نظام وابستگی حاکم بر صنعت نفت را تسریع کرد.

برخوردار نیستند! برای قطع وابستگی فرهنگی، دانشجویان را بشکند و دانشگاهها را تعطیل نمائید - برای قطع وابستگی صنعتی، صنایع را بمباران کنید.

برای قطع وابستگی کتا ورزی، مزارع را بسوزانید و دهقانان را سر برید. - برای قطع وابستگی کارگران، در کارخانه ها را نخته کنید و کارگران را پسه کلوله بیندید.

برای ریشه کن کردن "فاد"، همه مردم را از بین ببرید تا دیگر فاد نمانند! این است منطق حزب ارتجاعی حاکم و مردورانش! اما به اعتقاد ما، باید ریشه حزب ملعون جمهوری اسلامی و ریشه تمامی مزدوران شرق و غرب را از این مملکت کند، تا اولا مملکتی باقی بماند، که بتوان راجع به جنگی قطع وابستگی و حفظ و حراست آزادی در آن بماند. جاره اندیشی نیست.

بیرون راندن ...

بقیه از صفحه اول —
گذشته از اینکه باعث شهادت هزاران نفر از هم میهنان عزیز گشته است و بسیاری از شهرها و روستاهای ما را در جنوب و غرب کشور ویران کرده است، حدود هشت ماه است که بیش از دو میلیون نفر از هموطنان خوزستانی و شماری از هموطنان سایر بلاد در غرب کشور از روستاها و شهرهای خود آواره کرده است، علت آوارگی هم روشن است زمانی که فرمانهای خائنانه دهها کیلومتر عقب نشینی بی مورد و سوسله، بعضی از فرماندهان خائن ارتش در روزهای اول جنگ باعث گردید که دشمن بتواند به شهرهای ما نزدیک گردد و مستقر شود، در حالیکه جنایتکاران رژیم بعث در جناح یا نشان دست فاشیستهای هیتلری را از پشت بسته اند و شب و روز شهرهای ما را در جنوب بتوب و خمپاره میبندند و در نیمه شب با موشکی ۹ متری مدتها خانه را بر سر هم میپانان ویران میکنند، ناچاراً ضرورت پیدا میکند که پیر مردان و پسر زنان و خردسالان و بیماران برای آنکه در زیر آوارها نمانند شهرهای خود را ترک کنند و اما بسیاری از هموطنان جنگ زده ما که امروزه شهرهای خود را ترک کرده اند در موروثیکه متشکل و مسلح در جبهه ها از آنها استفاده میشود و به آنها اجازه رفتن به جبهه های نبرد را میدهند و آنها احساس نمیکردند که وجودشان بدون استفاده در معرض خطر قرار گرفته است شتتیا شهر

شان را ترک نمیکردند بلکه در آنجا قیام نمینمایند، چنانکه بعد از گذشت یکماه از جنگ ما سیکه خونین شهرها به آتشی به تسخیر مزدوران بعثی درآمد، جوانان پرشوری را می دیدیم که با گلوی بعضی گرفتند آبادان را ترک میکردند و وقتی علت ترک شهر را از آنها سؤال میکردیم، میگفتند وقتی که ما با جان و دل برای دفاع در زیر بتوب و خمپاره دشمن ایستاده ایم ولی ما را مسلح نمیکند و اجازه رفتن به جبهه ها را نمیدهند و دشمن در جلو چشممان به قتل و عام و ویرانی و تسخیر شهرها میمان مشغول است و خود ما چه سودی دارد؟ و یا اگر استحکامات و خانه بناهایی که بتواند ۲۰٪ تضمین سلامتی جان این هم وطنان را در مقابل بتوب و خمپاره و بمبارانهای دشمن میکرد، بدون شک تمامی خطرات را تحمل نمیکردند و در شهر خود باقی میماندند، ولی این ناروایان نه تنها هیچ یک از این کارها را نکردند بلکه بعدها رهبران خیانت پیشه حزب جمهوری اسلامی بسیاری از جوانانی را که با تمام خطرات ذکر شده همچنان به مقاومت و پایداری مشغول بودند و با جان و دل آماده جان بازی در راه میهن و انقلابشان بودند، بجرم هواداری از گروه های سیاسی در حلقه های شان از شهرها خارج نمودند تا بعد های وهوی راه اندازند که اینها (گروه های انقلابی) در جبهه جنگ نیستند. موقعی که هم وطنان ما با آغوش گرم هم میهنان آواره شده خود را استقبال می کردند و حجج اسلام و آیات "عظام" از قبیل خامنه ای و فرسنگانی و دستخیز و بیشتی از سرگردگان حزب جمهوری که خود خوانده های شان در میان قرار داشتند، با توهم و دروغ که خلعت ذاتیشان است سعی در شریک مردم بر علیه آوارگان

داشتند و فقط آنها بی گناه در جبهه ها و شهرهای جنگی هستند بخوبی میدانند که تبلیغات شوم آنها بطور قلب رزمندگان را که خوانواده هایشان آواره شده و خود را لوری میکردند و همچنین کارگرانی که خانواده شان آواره شده و خود در زیر بمباران دشمن بکار مشغول بودند را می آزد و چنانچه تخریبی در روستاها میباید میگذشت، ولی زما شیکه مردم دلیر ایران به تحریک و هیاهوی آنها که آوازی شوم همیشگی شان میباشد اهمیت نمی دادند و چاره آنها نیز بهمدان مدتی نغمه های به اصطلاح پشیمانی و " غلط کردیم " و " منظورمان این نبوده " سر دادند. در حال حاضر بسیاری از هموطنان آواره شده، صادر شرایط مشقت با زندگی قرار دارند که گزارشات و توضیحات آن را بعداً به اطلاع میرسانیم. و اما اساسی ترین چاره از بین بردن مشکلات آوارگان حل آوارگی آنها با بیرون راندن مزدوران بعثی از سر زمین عزیزمان میباشد و البته این به هیچوجه به معنای آن نیست که تا زمانیکه این کار صورت نگیرد، مشکلات و معضلات آوارگان همچنان باقی بمانند و نسبت به آنها بی توجه باشند آنچنان که خیانتهای حزب توده و گروه اکثریت با دولت " انقلابیانشان " دولت آقای رجایی اظهار میفرمایند! بلکه ملت ایران برای حل مشکلات آنها فداکارها کرده اند که بعداً بدانها خواهد رسید، لکن هموطنان آواره شده، ماسرکوبی و بیرون راندن متجاوزان بعثی و آنها بی که در کار جنگ اخلال و کارشکنی میکنند در اساسی ترین راه حل مشکلات خود میداندند و تلاش و مبارزه برای بدست آمدن پیر وزیرانی ترین وظایف آنهاست و در تلاش برای این امر مقدس کوچکترین دریغ جایز نیست، آنها با بد وضعیت جنگ

را موزدا رزیابی قرار دهند و با پیدایش شتتید عوانی باعث گردیده که ارتش پوئالی بعث با کمال ناشو انیش ۸ ماه هم چنان قسمتیا بی از حاک مین را در تصرف داشته باشند و از آنجا هر چه بیشتر شهرهای ما را بتوب و خمپاره ببندند و هر روز باعث شهادت دهها نفر از هموطنان ما در جبهه ها و شهرهای جنگی گردند، آنها با پیدایش شتتید کسانیا از آغا جنگ جز تخریب در کار جنگ و امر بدست آوردن پیروزی کار دیگری انجام نداده اند و هموطنان آواره ما باید برای از بین بردن این عوامل که همچون سدی مانع پیروزی ما میگرددند به راهی تمامی مردم ایران تلاش روزند. بیشک میهن ما و مردم ما اولین میهن و اولین مردمی نیستند که مورد تها و مستقیم امیریا لیستیا واقع شده اند، و تا بجو امیریا لیست ها آخرین مردم هم نخواهیم بود، زمانیکه شوروی سوسیالیستی (شوروی زمان لنین و استالین) مورد هجوم فاشیستهای هیتلری وهم پیمانانش واقع شد، مردم شوروی نه تنها در سرزمین خود شکست تاریخی به آنها وارد آوردند بلکه فاشیستهای هیتلری را تا آلمان دنبال و سرگسوب نمودند و پاره انجام این پیروزی بهیچوجه برتری تانک و توب نبود زیرا از ادخانه های آلمانها وهم پیمانانش صدها برابر بیشتر از میزان اسلحه مردم شوروی بود. بلکه آنچه که باعث پیروزی آنها گشت بسیج تمامی مردم، زنان، مردان، بیرو جوان و خردسالانی بود که با ایحادژهای مستحکم دیواری بولادین در مقابل دشمن بنا نهادند و دشمن را در گورستان تاریخ بگورسپردند. رهبری این عظمت تاریخی با حزب کمونیست و رهراشی چون استالین کبیر بودند، مردم چین آنگاه که مورد تها و زامیر

بیرون راندن...

پتیه از صفحه ۱۲۱...
بیابیم ز این قرار گرفتند...
تغییرات تجار و کاران را...
را تا روم را رکنند بلکه...
حرب ژویندان را که...
در چینه، مقاومت مردم...
و کارشکی میگردانند...
سپردند، و اس اسخار...
ایسی یکی در روز...
گویندان محراب بکند...
با نیکه سرسج و...
ملوسمی بود که...
سوزان در سکار...
سا کرده بود در...
کموسب و رهبرانی...
سیدون سازمانه...
عظیم بودند.

که سرارشی دارند که...
زور و احار است، بار...
سازی با آوردند، بار...
مهد و بار و ربه...
سایست بکنند...
حیوری ایلاتی...
را بدن سردوران...
بحای منگل و...
مردمی که...
باری در راه...
در منجای طولانی...
به حینه ما...
اسظار منگند،...
فاسون نظام...
افراد را احراز...
مکنند که...
سنگی ادوات...
کارگران و...
در کارخانه...
شود ولی...
حکی را بدست...
رنگد که...
جنگیدن...
نوع العاده...
میرودند، ما...
کارگران...
جان و دل...
تجاوزکار...
استادان...
وسایل...
گرم شدند...
ار شکل...
مکنند بلکه...
هایی که...
سیستند و...
کدامنه...
مختلف...
شند، بسیاری...
آنها...
ماه قبل...
کودتا را...
میران...
ها...
حمام...
سپهر...
گد...
نشد و...
را در...
حنا...
مردم...

سرازان، و در...
سین برست...
باندھانی...
سرکوبی...
را با...
مداکار...
کدار...
آن...
سنا...
به...
آنها...
استکه...
و...
سوزان...
شخص...
در...
قدرت...
سندل...
کرد...
سوده...
شان...
و...
و...
جنگ...
مردم...
رهبران...
با...
شما...
اصطلاح...
را...
ضد...
ابتدای...
تجا...
اند،...
های...
جبهه...
و...
در...
شروع...
کردند،...
به...
رندند،...
برسون...
را...
سخت...
هر...
دفاع...
لاخره...
نشان...

واخلال...
و در...
وزی...
طنه...
استکه...
کاران...
چرا...
از...
و...
زیر...
خواهد...
متنکل...
طالبان...
هند...
و...
سپه...
دالیا...
وزیر...
و...
دست...
اربابان...
آست...
هند...
جمهوری...
سرخانه...
کاران...
بدن...
ها...
آوار...
سندولی...
و...
رهبران...
جمهوری...
ستان...
صدر...
بندکه...
رفتن...
مردم...
دست...
دیگر...
استاد...
نحوه...
الی...
شده...
اسرا...
از...
برای...
مبین...
لبست...
نشد...

و چاق کشی ها ، جنگزدگان ، ساکن در خوابگاه ادبیات مراسم خود را سرگزار کردند و توانستند عده ای از خوابگاه های دیگر را هم با خود همراه سازند .

مراسم سرشار از روح زندگی و همبستگی کا رگری بود . برنامه های هنری .. سیاسی از قبیل دکلمه شعر ، سرود ، اسلاید نما یشتا مه و سخنرانی که همگی به استقامت علیه تاجا و زبمشی ما و مقاومت در مقابل استبداد جدید که در کسوت حزب جمهوری اسلامی تبارز یافته است ، دلالت داشت . درخاتمه مراسم که نزدیک به ۴۰۰ نفر در آن شرکت جست بود و بعدت ۲ ساعت بطول انجام مید قطعنا مه ز برقراعت شد که مورد تا شهدهمه شرکت کنندگان واقع شد . و بالاخره مراسم با تکرار مکرر شعار " مرگ بر آمریکا ، مرگ بر صدام ، مرگ بر جما قدر " خاتمه یافت .

بسمه تعالی

قطعنا مه مشترک کارگران و جنگزدگان ساکن دانشگاه ادبیات شیراز به مناسبت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰) اول ماه مه راه رهایی برگزآر میکنیم که انقلابات سراسر جهان را فرا گرفته است و تقریباً در همه کشورهای جهان مردمی که نمیمخواهند زیر بار ظلم و استعمار زندگی کنند برخاسته اند تا بساط استعمار تران را درهم بکوبند و در مقابل این موج عظیم انقلابات ، نیروهای امپریالیستی در جهان - بویژه آمریکا و شوروی - با کمک و همدستی عوامل و حکومت های ارتجاعی و دست نشانده و اقمراشان به صف بندی و تدارک جدید و وسیعی برای سرکوب مبارزات کارگران و کلیه ملل ستمدیده جهان پرداخته اند . در یک طرف نیروهای انقلابی و مترقی جهان و در طرف دیگر نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی جهان در یک طرف کارگران و کلیه مردم محروم و ستمدیده و انقلابی و در طرف دیگر سرمایه داران امپریالیست و کلیه حکومت های دست نشانده و ارتجاعی .

در آمریکا دزیر بر بیخ گوش کاخ نشینان سفید و اشگستن ، صدها هزار کارگر و زحمتکش آمریکائی دست با عتاب و اعتراض زده اند .

در اروپای غربی و اروپای شرقی موج اعتصابات کارگران و زحمتکشان بخاطر رسیدن به حقوق و آزادیهای صنفی و سیاسی به مبارزه برخاسته اند .

در آسیا و آفریقا و آمریکا لاتین ، ملیونها کارگر و دهقان در چین ، فلسطین ، هند ، افغانستان ، عمان و السالوادور و عراق و فلسطین اشغالی و غیره بیاخته اند .

مردم سراسر جهان یکپارچه اعلام میکنند که نمیمخواهند بنیشت از این زیر بار رستم امپریالیستها و نوکرا نشان بروند . در چنین شرایطی ، رژیم مزدور بعث عراق با نقشه امپریالیسم آمریکا و حمایت شوروی و چین و کلیه امپریالیستها و مرتجعین منطقه به بکشور ما حمله نموده است تا همه دستاوردهای انقلابی مردم ما را از بین ببرد و کشور را تجزیه کند تا آمریکا حیبا نخواه این دشمن اصلی ما به اتفاق همه امپریالیستها بتوانند همه منافع از دست رفتگان را در ایران دوباره بدست آورند و مردم ما را با فتار جنگ به زانو در آورند . ولی چه خیال باطلی .

از طرف دیگر عده ای انحصار طلب که مدتها مراحی

امپریالیستی و ضد آمریکائی دارند با اعمال سیاستهای ضد مردمی در قبال آزادی و استقلال مردم و مسن ما و همچنین با عدم رسیدن به زندگی . مشقت با رورقت انگیز بیش از یک میلیون جنگ زده که ابتدایی ترین نیازهای آنان نیز تا مین نیست ، در همین دوران جنگ مرتباً جما قدران و وابش و اراذل خود را به جان مردم حتی خانواده های جنگزدگان میانه اندازند ، روزنامه و مطبوعات را سانسور میکنند و به میل خود میبندند و اگر کسی خواستند که یک کلمه انتقاد یا اعتراض کنند توسط جما قدران و جاقو کشتها وژ - ۳ بدستان حساب آنها را میسرند و با آنها را به زندان میانه اندازند .

اینها میخواستند بهین مردم تفرقه بیندازند و خودشان با زور اسلحه ابجاد اختناق و استبداد و بگیر و ببند با کمیت خود را بسر مردم اعمال کنند و مردم را از صحنه خارج ساخته و از ادامه انقلاب و بنور کلی از انقلاب کردن دل سرد نمایند . آنوقت با غیبت راحت با صدام و اربابان امپریالیستی اوبیای میز مذاکره بنشینند و شرف و حیثیت ملی ما را بفروشند و ما را بنظر که در مسورد گروگانها که درنده امپریالیستها و نوکرا نشان در منطقه از جمله به صدام تکررتی این عامل مزدور رژیم بعث عراق و سرکوبگر مردم انقلابی عراق خدمت کنند و به کلیه مردم تحت ستم منطقه و جهان و از جمله مردم عراق خیانت کنند و از پشت خنجر بزنند .

مردم ما برای آنکه بتوانند بر امپریالیستها و نوکرا نشان پیروز بشوند و استقلال و آزادی خود را از دست ندهند باید متحد شده و خود را برای مقابله طولانی آماده کنند چون امپریالیستها و یادی و اعمارشان حاضر نیستند از منافع خود دست بکشند و برای اینکه متحد شویم لازم است تا کار تفرقه افکنان و انحصار طلبان را بکسر کنیم و نگذاریم در حالیکه جوانان و پیران ما برای دفاع از آزادی و استقلال این مرز و بوم جانفشانی میکنند و کارگران و جنگزدگان با وضعیت نا هنجاری روبرو هستند و گران و تورم بیداد میکنند ، عده ای انحصار طلب و قدرت طلب با دسائس و توطئه های مختلف بساط زورگویی و استبداد خود را پهن کنند و آزادی و استقلال ایران را پایمال کنند .

در این عید کارگران جهان موقع را منسجم نموده و ضمن قدر دانی از کمک های بیدریغ هم میهنان بویژه مردم انقلابی و آزاده شیراز و نیروهای انقلابی که رسالت کمک رساندن را بعنوان یک وظیفه انقلابی انجام داده اند ، قدر دانی و سپاس نموده و خواسته های خود را بشرح زیر اعلام میداریم :

۱ - ما جنگ کنونی را یک جنگ تحمیلی دانسته و آنرا جزئی از نقشه امپریالیستها برای به اسارت کشیدن مبین و مردم خوش دانسته و صلحی را عا دلانه میدانیم که متضمن خروج بی قید و شرط نیروهای مزدور بعثی از خاک ایران باشد و هرگونه مذاکره را پیش از خروج این متخا و زین شدیداً محکوم میکنیم .

۲ - ما هرگونه تفتیش عقاید ، دستگیری ، شکنجه ، اخراج و زندانی کردن کارگران و سایر نیروهای انقلابی را محکوم نموده و خواهان آزادی اجناعات و تشکلات مردمی و انقلابی هستیم

۳ - ما خواهان آزادی نمایندگان کارگران و همچنین زندانیان سیاسی که اهداف مردمی دارند هستیم و نفرت و انزجار خود را از اربابان جما قدران و حایمان اصلی آنها اعلام نموده و خواستار شناسائی ، معرفی و مجازات عاملین و مسن اصلی آن هستیم .

۴ - ما خواهان لغو سانسور مطبوعات ، رادیو تلویزیون و رسانه ها ، گروهی بوده و حق

گزارشی از وضع آوارگان در منطقه آغا جاری

آغا جاری سا اینک شهر کوچکی است ولی سخطر نزدیکی آن به آبادان و خرمشهر، جمعیت زیادی از آوارگان را در خود جای داده است. آوارگان در این منطقه اکثرا از کارگران شرکت نفت میباشند که بسیاری از آنها در مواقع فزونی در بین آبادان و آغا جاری در رفت و آمد هستند و بعضی از آنها ۲۰ روز در زیر شویب و خمباره، دشمن مشغول کار هستند و ۲۰ روز پیش خانواده ها ایشان میباشند. شرکت نفت نسبتا در آنجا بعضی امکانات مانند محل زندگی در اختیار آنها قرار داده است که تقریبا وضعیتان بهتر از بسیاری از اقشار زحمتکشان شهری و روستائی آواره شده که هیچ سرپناهی ندارند میباشند.

گذشته از آوارگانی که در منطقه آغا جاری در زندانها خود سکنی گزیده اند و با احتمالاً منازلی اجاره کرده اند، کمال آوارگان در سه نقطه سکونت کرده اند. ۱ - در شهرک مطهری (فلور سابق) واقع در ۳۵ کیلومتری شرکت نفت که در ۳۵ کیلومتری امیدیه، ۲ - در منازل تمام شرکت نفت.

۱ - در شهرک مطهری (فلور سابق) واقع در ۳۵ کیلومتری امیدیه حدود ۳۰ خانواده در آن قرار داده شده اند. دارای ۲۵۲ کاروان میباشند که روانیهای آن دو اتاقه، سه اتاقه، چهار اتاقه و عمومی میباشند، اکثر ساکنان آن از خانواده های کارگران شرکت نفت میباشند، و ۹۰٪ از اهالی این شهرک آبادانی میباشند و بقیه اهوازی و خرمشهری، از نظر محل سکونت کاروانیهای عمومی که چندین خانواده در آن زندگی میکنند وضعیت خوبی ندارند و بعضی از کاروانیهای دو اتاقه نیز به علت کثرت جمعیت خانواده در مضیقه میباشند و نسبت به وضع کلی جنگ زدگان در دیگر مناطق میتوان گفت وضعیتان مناسب است. از آنجا که کارگران و کارمندان شرکت نفت میباشند حقوق ماهیانه خود را دریافت میکنند و هیچ کمک دیگری به آنها نمی شود. به علت دوری از شهر و نبود فروشگاهها و شرکتیهای تعاونی تهیه رزاق ایجاد مشکلاتی مینماید، و نبود بیخجال در گرمای سوزان اینجا مشکلات نبود و فاسد شدن ارزاقشان را با عیب میگردد، تشکیلاتی که مورد انتخاب خود آنها باشند را ندارد. همان روزهای اول جهت حل مشکلاتشان و هماهنگی در آموزشان انجمنی انتخابی در بین خود تشکیل دادند که مورد مخالفت مسئولین شرکت نفت و مسئولین ستاد حزبی جنگ زدگان قرار گرفت و آنرا منحل اعلام کردند و بعد انجمنی اسلامی که بعضی افراد آنرا از شهران آورده اند بوجود آوردند که مورد مخالفت و بدبینی کلیه آوارگان جنگی میباشند.

۲ - منازل شرکتی واقع در ۵ کیلومتری امیدیه: در این جا نیز بعضی از کارگران شرکت نفت وعده دیگر از اقشار مختلف آوارگان ساکن میباشند. نزدیک به ۳۰۰ خانواده در آنجا نیز زندگی میکنند که تقریبا وضعی شبیه آوارگان واقع در شهرک مطهری (فلور سابق) را دارند.

۳ - منازل بلوکی نیمه تمام در امیدیه: در سراسر راه ورود به امیدیه، نرسیده به داخل شهر حدود ۵۰۰ دستگا خانه تمام نشده که قرار بود جهت استفاده کارگران شرکت نفت آماده شود و قرار گرفته است، این خانه ها در میان خشک و گلی واقع شده اند و فقط دیوارهای آنها بالا رفته است و

استفاده از این رسانه ها را برای کلیه تشکلات مردمی و انقلابی و کوتاه کردن دست انحصار طلبان از آنها را خواهیم. ۵ - ما خواهان لغو کلیه قوانین ضد کارگری و تدوین قانون کار جدید با شرکت نمایندگان واقعی تشکلات کارگری هستیم. ۶ - ما خواهان حق اعتصاب، حق تحمیل و پرداخت سود ویژه و افزایش حداقل دستمزد هستیم. ۷ - ما خواهان ایجاد کار برای بیکاران و جلوگیری از اخراج شاغلین و پرداخت حقوق بیکاری در ایام بیکاری متناسب با هزینه زندگی و همچنین استفاده از خدمات داروئی و درمانی برای کلیه جنگ زدگان و بیکاران سراسر کشور هستیم. ۸ - ما خواهان اسکان جنگ زدگان در مناطق قابل سکونت شهر با داشتن حداقل وسایل رفاهی و بهداشتی و همچنین پرداخت مستمری به کلیه جنگ زدگان متناسب با حداقل هزینه زندگی و سپردن امور کلیه کارهای خوابگاه بدست شوراهای واقعی منتخب جنگ زدگان هستیم.

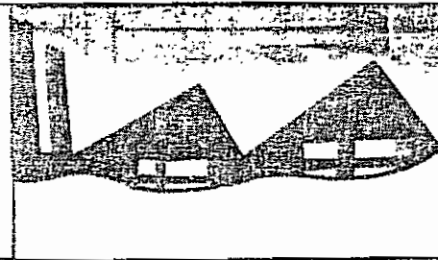
۹ - ما پشتیبانی کامل خود را از مبارزات بحق دهقانان برای معادله و تقسیم زمین و منابع آب بزرگ مالکان و فئودالها اعلام و خواهان تامین خدمات و کمکهای مادی دولت به دهقانان زیر نظر شوراهای اتحادیه های واقعی دهقانی هستیم و انهدام و سرکوب کامل داور دسته های خوانین و فئودالها را در سراسر کشور خواهیم.

۱۰ - ما حمایت کامل خود را از تشکلات واقعی دانش آموزی - معلمی و دانشگاهی اعلام نموده و خواهان بازگشائی دانشگاهها این سنگرمبارزات ضد امپریالیستی و آزادخواهان را بر اساس نظریات استادان و دانشجویان بوده و هرگونه سرکوب و اخراج دانش آموزان، معلمین، دانشجویان و استادان را به علت داشتن عقاید مترقی محکوم میکنیم.

۱۱ - ما حمایت کامل خود را از مبارزات بحق کارگران لیبستان و همچنین جنبش های آزادی بخش و انقلابات فلسطین، السالوادور و افغانستان اعلام مینمائیم. مستحکم با داد اتحادیه های جهانی کارگران و زحمتکشان جهان بر علیه امپریالیستهای جهانی و نوکراسان، بیروزبساد اتحادیه های جهانی کارگران و زحمتکشان ایران بر علیه امپریالیستهای بیروزبساد امپریالیست آمریکا.

زنده و جاوید باد راه شهیدان آزادی و استقلال ایران

حقیقت
 ارگان
 اتحادیه کهنیستهای ایران
 را بخوانید



کارگران اخراجی ساپیر باید بکار خود بازگردند!

خود را فدای جاه و مال و سنال نمیکنیم. در همین موقع آقای صیریان بک چندقا نون کار "ظا غوتی" را آورده بودند گفتند: ماده ۲۳ صفحه ۴ فلان را بخوانید. فریاد برآوردیم اگر شما آنرا روی ورق یا ره ها میخوانید ما با پوست و گوشت و استخوان عواقب آنرا لمس کرده ایم و خواهان جایگزینی آن با قانون کسار انقلابی هستیم. در آن وقت گفتند: ما یک نامه میدهم ولی اجرایش را سه ماهات مسئول منطقه واگذار میکنیم. در پایان نامه ای بدین صورت دادند:

اداره کار و امور اجتماعی سدرام خمینی

به پیوست تین نامه مورخ ۶۰/۲/۷ کارگران اخراجی شرکت ساپیر که طی آن درخواست بازگشت بکار دارند، مفاد نامه مذکور را مورد بررسی قرار داده و حتی الامکان از طریق مذاکره با مدیریت شرکت ترتیبی داده شود. در صورت نیاز از وجود کارگران فوق الذکر استفاده بشود /

مدیرکل روابط کار صنعتی

صیریان

به همسفرم گفتیم: بنگران نباش این عبارت "در صورت" را دو آنجا خودمان باید درست کنیم. ما میدادیم که اینها مثل زنجیر (با حلقه های ست) به هم وصلند. ما این زنجیر را خودمان باید بدریم زیرا دریا افتد ما هم:

نی خداونی شدونی با رلمان بهر ما دادرس نیست

جز خدا کاری و کوشش حاشی رنجبر هیچ کس نیست. خلاصه ما را گرفتیم. یکی از کارکنان به طعنه گفت: موفق باشید!! برگشتیم و گفتیم: موفق هم خواهیم شد، و از وزارت کسار بیرون آمدیم.

عین نامه مورخ ۶۰/۲/۷ کارگران اخراجی شرکت ساپیر در زیر به نظر خوانندگان می رسد:

سنا م خدا

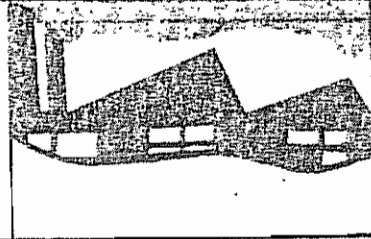
وزارت کار و امور اجتماعی ۱۳۶۰/۲/۷

محترماً بعضی میرسد ما تعدادی از کارگران اخراجی شرکت ساپیر واقع در سدرام خمینی در تاریخ ۵۹/۵/۱ بنا به دلایل نامعلومی از کار اخراج شدیم: ۱- بنا به اظهار نامه ای که کارکنان سدرام خمینی اخراج کارگران از طرف کارفرما به دلیل کسه باشد منطقی و حقوق کارفرمایان می باشد. ۲- به نظر کارفرما ما شرکت کارگران را به تمام است و از دیاد کارگران ما تسخیر شد. ۳- به نظر شورای کارکنان (که خود قبلاً یکی از طراحان اخراجی ما کارگران بود) اخراج کارگران بیسود و ضرورت آنان بوده ۴۰۰۰۰۰ - از نظر فرما سنا ما شهر دلاپل کارفرما منطقی بوده است.

اما شرح کار را بدین قرار است که در تاریخ ۵۹/۵/۱ ما می ۴۰۰ نفر از کارگران به عنوان اخراجی (بقیه در صفحه ۲۰۰)

در تاریخ ۶۰/۲/۶ برای جبران اخراجی که در تاریخ ۵۹/۵/۱ پیشتر آمده بود به دستور رئیس جمهوری در تهران مراجع کردیم که آنجا چون جبری دستگیرمان ننموده وزارت کار رسم. در وزارت کار ما را نزد آقای معتمد رضائی معاونت وزیر کار فرستادند. شرح ما جز آنرا دادیم. آقای رضائی گفتند کارگران که تسویه حساب کرده اند از لحاظ قانونی هیچ راهی برای رجعت به کار ندارند. حیوانی مسئله اخراجی را شرح دادیم. گفتند ما در جیب راجوب تا نرس کار میکنیم. اگر شما را فرستادیم: در آن منطقه که ما کار میکنیم اداره کار، فرما ندارد، استانی و کارفرما هم برضما کارگران کار کردند که به نظر ما اگر محو هم اسلای کارکنان با سدرام برای این تصمیم ناحق بایستیم و الا خود را فدای انقلاب را آگاهان ما زنگذارتند. مگر ابودرغاری نمی گوید:

عشت لمن لاسجد فوف فی سبت لایخرج علی الناس
ما هراسن ((من سجد میکنم زکسانی که توتی در خانه پیدا میکنند چگونه با تمسیر گداخته بر مردم نمی تازند)) . ما از سلیمان انقلابی انتظار پیدا نداشتیم. ما آنگاه انقلابی میدانیم که این قوانین فدکارگری و ارتجایی ساپیر را از رژیم منحوس بی نظوی را بدور بیا نندازد. گفت: شما نماینده در مجلس دارید و در این مورد قانون تصویب خواهند کرد. گفتیم: اولاً ما کارگران نماینده ای در این مجلس نداریم و هیچ جمعی هم از این مجلس نیست و این هم داشته باشیم. خلاصه بعد از بحث های طولانی به این نتیجه رسیدیم که اینها همانند گریه که به هر طریق پریشان کنیم سرانجام چهار دست و پا زمین می افتند (هر چند گریه حیوان تقصیری ندارد!) ایشان هم بطور تشریف دارند. در آن وقت: سراندر سواد شما مثل اینکه بیشتر است بهتر است با وزیر کار در این مورد صحبت کنید. ما را نزد آقای صیریان (مدیرکل امور صنعتی) کارگران را شناسایی کردند. در آنجا هم همه نظرها انتظار میرفت حرف از جیب راجوب نظم و... به میان کشیده شد. گفت چرا در آنجا آمده اید؟ گفتیم حنا بعلی روی میل لم داده اید خبر سنا را در این در خوزستان چه خبر است. هیچ توقعی سنا را از این نداریم. این حرف بدرد بیگشتن (ببخشید به رنگ بی غیرتی سنا) برخورد و گفت: برادر، ما ورنه در این روز و سیریم همسان من باشید تا اوضاع زندگی ما را ببینید. گفتیم: والا میمانی من موقعی اسکان بدی است که حال ما را برای کارگران ساپیر بیاش؛ در تانی اگر تو خانه وزندگی. دارید، ما غالباً خانه هم نداریم، چرا که شما خبر ندارید و یا ما احساس سسوسه لست نمیکنیم، آوارگی، بیگاری، غیره و رواج دارد. با شما ما اینها را استقلال و آزادی ایران را فدای هیچ چیز دیگری نمیکنیم و استقلال شما را دستنبرین را محکوم و بر طرف خواستیم که در کارکنان دفتر اوضاع را "متشنج" دیدند، کبک رانی تنسار ف کردند که به خیال خودشان ما را با یواش تدریج کنند. آنها گوردند و سنا ما کارگران شرف و حیثیت و صداقت



با اتحاد و تشکل خود جلو بستان کارخانه ماشین سازی پارس اراک را بگیریم

سردم مبارز شهرا راک :

کارخانه ماشین سازی پارس اراک در سال ۱۳۵۵ قرار دادی مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان با کارخانه واکن سازی پارس اراک منعقد نمود و در سال ۱۳۵۶ با تعداد ۲۰۸ نفر (۲۰۱ نفر کارگر و ۷ نفر کارمند) شروع بکار نمود، کار این کارخانه بیشتر پیاده کردن و ساختن اسکلت های فلزی کارگاه ها و کارخانجات بزرگست. تاکنون کارخانه منتهی به توسط کارگران بیش از ۱۴۵ میلیون تومان مسابا شده و نزدیک به ۴۰٪ از کارپروژه واکن سازی پارس که طبق قرارداد با این کارخانه مبادا شده و زیاده های مانده یعنی حدود ۵۵ میلیون تومان کارهنوز در واکن سازی ما داریم که انجام دهیم. ولی نه تنها مسئولین بفرگسترش کار کارخانه نبودند بلکه قرارداد بسته شده توسط شورای کارخانه و مدیریت کارخانه اراک با کارخانه نورد آلومینیوم اراک سازس ۱۲ میلیون تومان توسط مدیرعامل کارخانه در شهران لغو شد و زمین توطئه شوم خود را یعنی بستن کارخانه و بیکار کردن کارگران و در نتیجه زندگی ۲۰۸ نفر کارگر و کارمندان کارخانه های خود بیش از هزار نفر هستند را با خطر گرسنگی و آوارگی روبرو کرده است. ما کارگران که پیش از هر فشر وظیفه ای در کارخانه ما رسنگن انقلاب را بدون سیکتیم و مبارزه ما مهمترین عامل برای تراز شاه خائن و ویرانی سیستم سلطنتی و وابسته به آمریکا بود و نیز در حنگ اقتصادی بر علیه وابستگی در سنگر کارخانه ها می جنگیم و تاکنون شهدا و مسئولین زیادی در راه دفاع از انقلاب و میهن انقلابی در جنگ بر علیه مزدوران بعثی که با نفشه آمریکا جنایتکار و اسلحه های روس تاج و زگروبا تا شیدجینی های ضد انقلاب و در ارتعرقه افکنی و حیانت های حزب خائن جمهوری اسلامی و دولت ترسکیش جرئت کرده اند که به انقلاب و میهن انقلابی ما حمله کرده، شرکت نموده ایم و تا نوزده این تجاوز کاران بعثی را بیخاک نمالیم و آنها را تا مرزهای اولیه بعثت نرانیم از پای نمی نشینیم.

همزمان با این همه توطئه از جانب امپریالیستها و ایادی ریز و درشتش مانند سران کشورهای مصر و اردن و عربستان سعودی و کویت و جبهه مشترک آنها با بعثت نجا و زگر، ایجاد حنگ بین برادران نبعه و سنی در بلوچستان و برراه انداختن بلوادرحوزه های غلبه، قدرت دادن به حزب دمکرات وابسته و مرتجع و جناح های حنگ افروز رژیم جمهوری اسلامی و سرکوب خلق کرد و جنبش دهکده ای کردستان توسط طرفین، با سرراه انداختن بلوا و آشوب از طرف سران عشا بر فارس، سبب گذاریم ای بی دردی در مقابل عمومی و کشتار مردم میدماع و پاسای همه اینها ایجاد حوت سرور و خفتان و دستهای چماق دار توسط حزب جمهوری اسلامی دست به سرکوب هنرهای آزادی خواهی زده است و تاکنون بارها امتصا سات و اعتراضات ما کارگران زحمتکش را بیخاک و خون کشیده و سنا توانسته توسط ایادی مردود و رجالتا ر خود و غنکار ی حزب توده و اکثریت تشکل و مبارزه ما کارگران برای کوفتن حقیق از دست رفته ما ضرب زده اند و توطئه چیده اند. جالب است که قتلار مرکز "بابی ساندز" مدارز و فیرمان ملی ایرلندی (که سادش

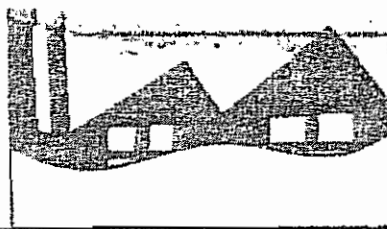
گرامی باد) در زندان امپریالیستهای انگلیسی آنها در صدای سیای "حزب" (رادیو و تلویزیون) گوش ملت را با تبلیغهای مدا امپریالیستی گرمیکردند و در بخت برده دولتستان در آغوشن امپریالیستهای صاحب کارخانه بیگان انگلیسی ضار داد ۲۲ ملیارد (۲۲۰۰۰ میلیون) تومانی انشاء میکردند، ما باید نقاب بر چهره گریه اسن وطن فروشان سردیم و وانصت بست آنها را به همه شان دهیم.

هم اکنون نیز عوامل این حزب و مسئولین دولتی وابسته آنها توطئه شوم بستن کارخانه ما را در سر پیرو رانند. اما این تازه سدوران رسیده های مرتجع با یدیدانند زمانه همیالکی های رساخیزی شان چنین کارهای نظیر سیکار کردن کارگران و سچاک و خون کشیدن آنها و سرکوب اشتما سات و اعتراضات آنها را انجام میدادند و حالا اینها میراث خوار توم بر ستا خیزبان بیبش نیستند و همان سرشونت احداتشان در انتظارشان مساست.

ما کارگران با اتحاد و تشکل خود با بستن جلوی بستن کارخانه که یک عمل فدکارگری و ضد ملی و در جهت بحر ان انصادی و وابستگی به امپریالیستها میباشد را هر چه زود تر بگیریم و در صورت ادامه این وضع و کارگشنگی های مسئولین فدکارگر حمایت بدریغ مردم انقلابی مان را خراستاریم و با اجتماع خود مقابل استاندارداری و دعوت از کلیه سیکاران اراک این مسئولین ضد انقلابی و مرتجع را در مقابل مردم افشاء میکنیم و پورده از خیانتهای آنها سرخواهیم داشت.

ما کارگران تار سیدن به حقوق از دست رفته مان با سسد این نکات را رعایت کنیم :

- ۱ - حفظ وحدت و تشکل خود بی طور روز مرده و جلوگیری از تفرقه بین خودمان .
- ۲ - شناسائی و طرد افراد نفرت افکن و خود بدروخته و عوامل حزب خائن جمهوری اسلامی و حامیان توده ای و اکثریتی آنها .
- ۳ - درخواست حمایت از کارگران کارخانجات دیگر اراک و نیز سیکاران و مردم اراک را قشار مختلف برای بستن سنا ای از مبارزه کارگران برای بازگشائی کارخانه ماشین سازی پارس اراک .
- ۴ - افشای هر چه بیشتر این عمل فدکارگری و ضد ملی و در حیت وابستگی یعنی بستن کارخانه سس مردم سوزنده کارگران و زحمتکشان .
- ۵ - استخادم کلیه کارگران و کارمندان کارخانه در مقابل کارخانجات اراک که تحت بیوشی سازمان گسترش هستند مخصوصا کارخانه های سازی پارس (این کارخانه ها کارگران ماشین سازی پارس اراک برای انجام ۴۰٪ از کارها قیما شده اند احتیاج داره برای تکمیل کردن پروژه واکن سازی پارس) تا تعیین تکلیف کارخانه .
- ۶ - اموال و وسایل کارخانه با بیبش در زیر نظر و حفاظت کارگران قرار داشته باشد و تصمیم گیری در باره آنها بعهده



گزارشی از اول ماه مه در اصفهان

چرا که کارگران مجاز بودند در روز اول ماه مه در راهپیمایی همدارانه شرکت کنند ولی شرط اینکه در یکی از صفوف حضرات حزب جمهوری اسلامی، حزب توده و چریکهای (اکثریت) شرکت نمایند. آری، کارگران مجاز بودند آزادانه در یکی از صفوف وابستگان به سگانه شرکت نمایند، ولی شرکت در صفوف نیروهای انقلابی و مستقل غیر مجاز و مجرم محسوب میشود!

در اصفهان، نیز شرایط غیر از این نبود. یک راهپیمایی توسط حزب فراگیر جمهوری اسلامی و نهادهای "انقلابی" برقرار گردید. در بعضی کارخانهها و شرکتها و از جمله پالایشگاه نفت، حزب جمهوری اسلامی همراه با نشان جدیدش چریکهای (اکثریت) مراسمهای مشترکی داشتند و سفیران آن چند مراسم دیگری بود. از جمله بزرگداشت این روز توسط نیروهای "چپ" و بود که صف خیلی شسته و رفته مستقل از طبقه کارگران را چند ده نفر در معرض چند دقیقه تشکیل و تمام کردند! و اما مراسم دیگری سیر بود که در فولادشهر اصفهان برگزار شد.

فولادشهر (حدود ۲۵ کیلومتری اصفهان) منطقه مسکونی کارکنان ذوب آهن می باشد که اخیراً جمعیت وسیعی از جنسیت زدگان جنوب کشور نیز در اینجا اسکان داده شده اند. در این ناحیه دهها هزار نفر کارگر و کارمندان و جنگ زدگان جنوب سکنا دارند. مراسم فولادشهر به توسط عده ای از کارگران ایمن شهر همراه با علاقمندان به این روز برگزار گردید.

مراسم با شعارهایی مانند: "مرکز برکلیه، امپریالستیها بویژه امپریالیسم آمریکا!"، "آمریکان نقشه میریزد، شوروی مسلح میکند، چین تا شدم میکند، مدام تجاوز میکند، حزب جمهوری اسلامی تفرقه میاندازد و خیانت میکند"، "پیروز با دمبارزات آزادیبخش خلقهای برادر، فلسطین، اریتره، افغانستان و عمان!" تزئین شده بود. ابتدا سرود انقلابی "زحمتکشان به پیش!" بخش و توسط جمعیت تکرار میشد و سپس یک کارگر انقلابی خطاب به شرکت کنندگان در مراسم سخنان خود را این چنین آغاز کرد: "امروز، روز تجدید عهد و همبستگی کارگران سراسر جهان است. امروز روز جهانی کارگران است و ما در اینجا گروهی آمده ایم تا به کوری چشم مرتجعین و دشمنان طبقاتیمان این روز را گرامی داریم." کارگر سخنران در ادامه سخنانش از تحولات جدید و توطئه های ابرقدرتها بر علیه انقلاب ماسخ را بداند. او گفت امروز حزب جمهوری اسلامی بمثابه نیروی سرکوبگر اصلی آزادبها در جامعه و همچنین دشمن استقلال مهن ما می باشد. او مثالهای فراوانی از آزادی کشیهای این حزب مشغول حاشیایش در قبایل استقلال وطن آورد. او همچنین

صحن انسانی بی "چپ" روانه سخنی از نیروهای سیاسی کسه عامل دوری حبیبی مردم ما از نیروهای انقلابی میشوند، سخنان آنها و احساسات حزبی توده و اکثریت بعنوان بخش دیگری از نیروهای توطئه گر بر علیه طبقه کارگر برداخت و... .

ناگفته نماند که این مراسم نیز از فشارها و تهدیدات حزب حاکم السعیا جاسوسی و استگنان به شوروی یعنی توده اییسا و اکثریت منحرف می باشد.

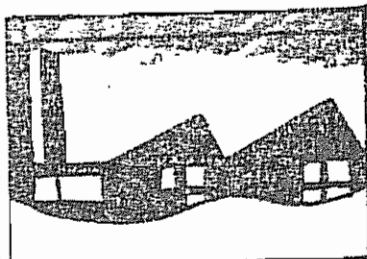
بخش در صفحه ۲۰

اول ماه مه، عهدیانی کارگران به رغم کلسه، سلسلسات مرورانه و رسا کارانه، سردمداران مرتجع و ضد کارگری حزب جمهوری اسلامی در بسیاری از شهرهای ایران به فراخور امکانات موجود سرگزار آمد. روز کارگر، امسال در شرایطی برگزار شد که کلسه، نیروهای ضد انقلابی و مرتجع از هفته های پیش سینه چاک اسن روز شده بودند و خود را مستحضران در حرمان دیگری حامی ایمن روزستان میدادند. رادیو و تلویزیون و کلسه، وسایل ارتباطی انسان از هفته های پیش آی کارگر، وای کارگر میگردند و همزمان با آن رهبران همین کارگران را ترور میگردند. از یک طرف می-گفتند: "کارگر، سرگزار سلام حامی نوست" و از طرف دیگر نمایندگان شرکتیهای خضال استیل، واحد، رامباد، کاشی سیدی و... راه سندی میکنند و با مقنود لایم میگردند.

روز کارگر، اس روزی است که کارگران سراسر جهان همواره گرامی میدارند و در وطنه کارگران ایران بزرگداشت عمومی آنرا با شعارهای ۵۷، یکی از دست آوردهای بزرگ خود میدانند، سپس رودی مورد حتم و غضب این مرتجعین قرار گرفت.

اگر در سال اول سعاد رسام صف چند صد هزار نفره کارگران در این روز مورد هجوم گروهبانهای چماق دار قرار گرفت و اگر در سال دوم صف کارگران مورد بیورن و هجوم و حشانه تر این جماعت حزب اللیپی میانی شد، امسال در سومین با اصطلاح بهار آزادی، بزرگداشت ای چنین روزی حرم و خیانت به منافع مردم محسوب شد. گروهبانهای حزب اللیپی و چماق دار و مسلح همراه با سلیغاب زهر آکن نشان خود را برای درهم کوبیدن مبارزات طبقه کارگر در این روز آماده کرده بودند، و این خود نشان دهنده رندریج جریانات ارتجاعی در جامعه، ما بعد از قیام می-باشید.

اول ماه مه امسال در شرایطی بسیار تعیین کننده و سرسود شد ساز برگزار گردید. در شرایطی که امپریالیستیهای غرب و شرق در طرحها و توطئه های گذشته خود شکست خورده و دست به طرح های جدید برای به زانو آوردن انقلاب مازده اند. در شرایطی که همه نیروهای مرتجع و امپریالیستی فعالانه از داخل و خارج مرزهای کشور به توطئه مشغولند. در شرایطی که آمریکا جناسند کاروتوری اشغالگر همراه با کلیه سرکاران محلی نشان از عراق واردن و عربستان و ترکیه و... از بیرون و کلسه، مرتجعین و ضد انقلابیون داخلی چون سلطنت طلبان ناهی، حزب جمهوری اسلامی، حزب توده و چریکهای فدایی خلق (اکثریت) از داخل شرایط را برای به تسلیم درآوردن انقلاب ما فرا هم بسازند. پس سیموده نیست که تشکیل صف مستقل و آزادانه کارگران انقلابی ایران که در خود طلسم آزادی و استقلال و نظر را بیچراه دارد، مجرم محسوب میشود. بسپرده سبب که صف های کارگران در اس روزی بسنی در منطقه خفه شود. چرا که تشکیل دهندگان اس صفوف کارگری برجداران آزادی و استقلال واقعی نیستند محسوب میشوند و این ساداتی مرتجعین تسلیم طلب و موکرفست ناخوشا ابتدایت. البته ساسنی ما به روی حق کد، نیست!



گزارش اصفهان

بقیه از صفحه ۱۹

ارجند هفته قبل از اجرای برنامه ، تودهایها وا کثرت به شنا - سائی شیروهای انقلابی درکارخانه ها پرداختند و هرگونه تخلفات و دعوت از کارگران برای شرکت در مراسم اول ماه مه به یالا تر- هایشان گزارش میشد . از این جا سوسیال کده سگزاریم ، تبلیغات و "زهرچشم" گرفتن ایشان برای روز موعود بود .

ابتدا گفتند و بنا بعد ساختند که در این روز (اول ماه مه) قرار است دو شبم کارخانه حزب جبهه پوری اسلامی در همان محل برگزاری مراسم ، نمایش دهند ، سپس گفتند جناب علی کبری پرورش قرار است برای مردم در همین روز و همین محل سخنرانی کند و بعد گفتند برای اهلین با قرار است ندا زجمله برگزاری نشود و سپس خبر دعوت از چند گروه : ، سیا ه پاسداران برای حفظ "امنیت" محیط را بخش کردند و بعد

اما برگزاری کنندگان این ، وزیر افتخار مصمم تراز آن بودند که با حارت و بیورتنیای آقایان ما ، نند! توگویی قرار بود همه هزار کارگر در این مراسم شرکت کنند . . . قیام مسلحانه شما سید که اینان را این همه دست پا چکی و ترس فرا گرفته بود! قبل از شروع برنامه بلندگوهای مسجد که در همان حوالی بود شروع بدنا لیدن کرد و سپس سروکله حضرات سیا ه پاسدار و جمعی از مردمی که گویا از دهات برای شما زجمله آورده بودند پیدا شد . آنان با دادن شعار از اطراف زمین برنامه دور شدند . مثل اینکه تعداد ده ۸ - ۷ نفره شان برای برهم زدن برنامه کافی نبود ، برنامم تقریباً روبه انتها رسیده بود که سروکله چندا توبیوس پراز جمیت (حدوده ۵۵ نفر) همراه " پاسداران " برای برهم زدن برنامه پیدا شد . این مسئله اتفاقاً به جنبه تبلیغاتی برنامه افزود ، چرا که با تعداد دکشیری که ایمان بسیج کرده بودند ، بیشتر جلب نظر خانه های سکونی اطراف را کرد . سخنران را با طمعه کردند ولی با حمایت بی دریغ و دلسوزانه شرکت کنندگان و مردم اطراف آنجا از دست آنان رها شد و مراسم با موفقیت به پایان رسید .

امروز که طبقه کارگر برنامه ضعیفای گوناگون سازمانهای سیاسی نتوانسته بسیج و متشکل شود ، تجملات کوچک اش این چنین مورد هجوم قرار میگیرد ، وای به حال این مرتجعین در زمانیکه کارگران ایران در سازمان انقلابی و حزب پرافتخار طبقه اش بسیج و متشکل گردد ، به امید آرزو .

مسجد سلیمان در حین کار بوسیله انفجار رگا زکشته گردید . چرا تعدادی زیادی از افراد شورای کارکنان جزوا خراجیها بودند ولی نه تنها خراج نشدند بلکه پشت بالتری راهم گرفتند . حتی کارگران با قیام نده بدین امر واقفند و خواستار انحلال آن شده اند . بعد از خراجی ما سوادف ما کودتای نافرمان آمریکا شسی سپس همگانه تبلیغاتی رژیم دست تراقی به! سرارایش آمریکا شروع شد با صلاح را در آن دیدیم که نعل استقلال ایران و دنساع از انقلاب و کشور عزیزمان واجب تراز مسائل فرشی دیگر است دما بطوریکه تعدادی از کارگران شرکت در جنبه ها به رزمندگان پیوستند ، اما شرکت مجددا شروع نگار نمود (کرده) و ما خواستار مراجعت ، کار راه تیم جشی اگر کار ما در جنبه ها باشد . از آن وزارت خانه مسئول خواهشمندیم در این مورد رسیدگی و نتیجه را امرت! بلاغ فرمایند /

با تشکر فراوان

۴۵۵ نفر از کارگران شرکت ما بی...

نامه یک رفیق کارگر از هفت تپه

سلام و درود بر مبارزین راه زحمتکشان

من کارگری فنی از طرح نیشکر هفت تپه ، هوادار سازمان شما هستم . میخواهم نامهای درباره این کارخانه برای شما بفرستم .

مدیرعامل کارخانه ما آقای : خنری است . این شخص گویا توده ای است . با شد که رابطه نزدیکی هم با انجمن اسلامی (ساواک) کارخانه دارد . همین شخص مدیرعامل تعدادی از افسران و ساواکیهای رژیم گذشته را به کمک انجمن اسلامی متشکل کرده که کارشان فقط توطئه چینی بر علیه کارگران و حقوق آنهاست و اگر کارگری هم ادعای حقش را بکنند به او تهمت ضد انقلابی بودن میزنند . من از اینجا میگویم ببینیم بنا خودشان چه کسانی هستند که اطراف مدیرعامل کارخانه جمع شده اند و به ما کارگران تهمت میزنند : ۱ - حسین عوفی (رئیس حزب رستاخیز توده شماره ۱۲ در هفت تپه) ۲ - رحیم رحمانی ۳ - جفا نگر ریاری ۴ - عباس مردوسی ۵ - شمس کور که اینها هم همه در روزیسم گذشته در حزب رستاخیز کار میکردند و حالا هم در انجمن اسلامی مشغول توطئه چینی هستند . در ضمن باید بگویم که از تعداد جنگی تا حالا کار ما ۱۲ ساعتی است . مثلاً اگر قبلاً ۸ ساعت کار می کردیم حالا ۱۲ ساعت کار میکنیم ولی پول همان ۸ ساعت را به ما میدهند و ۴ ساعت دیگرش را خودشان همراه انجمن اسلامی شان شوش جان میکنند .

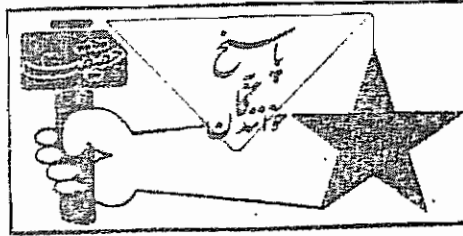
با شد که ما کارگران با مبارزات پیگیر خود حقوقمان را از جنگ این سرمایه داران ضد انقلابی و عوامل ارتجاع بیسروپ بیاوریم .

توضیح - چون اولین نامهای است که برای شما میفرستم اگر نامها شکالی دارد در حقیقت توضیح دهید .

رفیق کارگر شما پیروز با دا انقلاب دمکراتیک ایران به رهبری طبقه کارگر

کارگران ساینبر بقیه از صفحه ۱۷

اعلام میشود . ما کارگران اخراجی خواهان آن هستیم که آن چند قانون وحکمی است که بدکار فرمایان حق اخراج کارگران را به هر دلیل که باشد داده است . کارفرمایی که میگوید که تمام شده است ولی کار را به بیمه نگاران دیگر کنترات میدهد ، کارفرمایی که بعد از دو سال به علت عدم تیرت درست کارچندان بیشترتی ندانسته است که به اعتقاد ما کارگران کمکاری ناشی از از دستاد کارگران نیست بلکه ناشی از بی ایمانی و بی مسئولیتی این قبیل کارفرمایان است که جز بدایمان راحت طلبانه حود و همفکارانشان به چیزی نمی اندیشند . برای آنها استقلال ایران و پیشرفت اقتصادی ایران نفیومی ندارد . کارفرمایی که هر زحمتکش و یا ایمانی را خا رچشم خود میداند به عنوان مثال منوچهر جلالیان که در شرکت ما دقا به کار کرد و نقدریا بیسروپ برایش درست کردند تا استعفا داد (نا میبرده در چها دانستدگی



درباره تضادهای درونی باوک بندهای

امیرالیهتی

رفیق مـرح از اندیمک در ارتباط با مقاله آموزه کارش، در مورد جنونگی امکان اختلاف بین دو کشور از یک بلوک بندی سرما به مالی جهان و بطور مشخصی در مورد اختلاف بین سوماتی و کنیا سئوالی نموده اند.

پاسخ : رژیم های وابسته به امپریالیسم با تمام تبعیت شان از سیاست و برنام کلی امپریالیسم، چون هر پدیده اجتماعی دیگر از تضادهای متعددی برخوردار میباشند. نمونه عینی جنبش تضادهای را میتوان در اختلاف بین عربستان سعودی و رژیم شاه در مورد تقسین متوقف دادن به رژیم شاه در امرزانداری منطقه مشاهده نمود. وجود چنین اختلافی به جوجه از درجه وابستگی رژیم سابق ایران و عربستان به امپریالیسم آمریکا میباید. مثال دیگر همین مقوله را میتوان در عدم توافق سگ زنجیری آمریکا اسرائیل در فروش اسلحه به سگ زنجیری دیگر آمریکا عربستان یا مصر مشاهده نمود. با چنین اختلافاتی را میتوان در اختلافات تاریخی و نیز رقابت بر سر سرپردهگی ایمن رژیمها ارزیابی نمود. اگر چه در مورد کنیا و سوماتی همین مقوله از اختلافات عسرتی و بقایای تفکرات فیسلیهای نشأت گرفته است. نمونه های دیگر همین مسئله را میتوان در اختلافات قومسی و عسره ای در میان قبایل امارات عربسی مشاهده نمود و با ن ترکیبم و اختلافات ترکیه و یونان اشاره کرد.

درباره حزب دمکرات و سیاستهای

امیرالیهتی

ظنی نامه بدون اضافاتی پرسیده شده است :

"سؤال ۱ - در اکثر مقالات حزب دمکرات بعنوان یک جریان وابسته به شرق - غرب و همکار عراقی معرفی شده است. با ارزیابی فوق مسئله مذاکرات غیر مستقیم صدراتی این جریان و مؤسسه گیری جدید این حزب در مورد جنگ را چگونه باید توضیح داد.

"آیا بهترین نسبت نامواردی نظیر

فوق بشنرم ما هیت استگوند جریا نیا تا - کیدگذا شده بود در پرنوی آن از با زجهه دست ابرقدرتیا شدن چیس جریانی سخن گفته شود؟

"آیا این مؤسسه گیری جدید حـرب دمکرات در مورد جنگ در اطباتی با موضع گیری برخی از جریانات بورژوازی مغلوب نیست. اگر چنین است مسئله بر حوره سنی صدراتی این مقوله را چگونه باید توجیه نمود"

پاسخ سؤال ۱ - حزب دمکرات کردستان جریانی وابسته به شرق و غرب و همکار عراقی یعنی بعضی های تحاوزگر، و مواضع در انطباتی با مواضع دارو دستهای فراری خاشن نظیر سختیاری میباشند و ارتباط با مذاکره افرادی چون سنی صدراتی آن ویا جریانی مانند "ماهدین خلق" با آن (که احتمالاً این نکته هم ممکن است سئوالی برای شما طرح کرده باشد) هیچ تخییری در ما هیت فیسله نمیدهد. امسولا معلوم نیست که شعار روی چه اساسی تصور می کند که مذاکره این افراد و جریا نیا بسنیا دارو دسته مرتجع و بیگانه یرسی چسبون سران حزب دمکرات با پیدار زبایی ما را از این دارو دسته تخییر دهد. البته ممکن است در شرایط جنگ کنونی مذاکره و تمایز با اینگونه دارو دسته ها، که از لحاظ سیاسی نگاه داخلی خود سگی بد ارتجاع مخلصی هستند، بمنظور حشی کردن آنها، کاهش تنش در عرصه های غربی و همچنین مقابله با سیاست جنگ افروزان و ارتجاعی جریا ن ارتجاعی و خیانت پهنه، حاکم که مردم کرد را میکوبد، صحیح باشد. با زهم تا کید میکنم که اگر واقعاً چنین هدفی را دنبال کنید، ممکن است چنین مذاکره ای صحیح سیاسی مفید باشد. لیک اینها داخلی ما هیت قضیه دارو و همچنین سیاست توجیه و مسدود و شنا در راه این دارو دسته را موجه نسبی - گردانند.

پاسخ سؤال ۲ - حزب دمکرات کردستان جریانی وابسته به شرق و غرب و همکار عراقی یعنی بعضی های تحاوزگر، و مواضع در انطباتی با مواضع دارو دستهای فراری خاشن نظیر سختیاری میباشند و ارتباط با مذاکره افرادی چون سنی صدراتی آن ویا جریانی مانند "ماهدین خلق" با آن (که احتمالاً این نکته هم ممکن است سئوالی برای شما طرح کرده باشد) هیچ تخییری در ما هیت فیسله نمیدهد. امسولا معلوم نیست که شعار روی چه اساسی تصور می کند که مذاکره این افراد و جریا نیا بسنیا دارو دسته مرتجع و بیگانه یرسی چسبون سران حزب دمکرات با پیدار زبایی ما را از این دارو دسته تخییر دهد. البته ممکن است در شرایط جنگ کنونی مذاکره و تمایز با اینگونه دارو دسته ها، که از لحاظ سیاسی نگاه داخلی خود سگی بد ارتجاع مخلصی هستند، بمنظور حشی کردن آنها، کاهش تنش در عرصه های غربی و همچنین مقابله با سیاست جنگ افروزان و ارتجاعی جریا ن ارتجاعی و خیانت پهنه، حاکم که مردم کرد را میکوبد، صحیح باشد. با زهم تا کید میکنم که اگر واقعاً چنین هدفی را دنبال کنید، ممکن است چنین مذاکره ای صحیح سیاسی مفید باشد. لیک اینها داخلی ما هیت قضیه دارو و همچنین سیاست توجیه و مسدود و شنا در راه این دارو دسته را موجه نسبی - گردانند.

"سؤال ۲ - جنگیای موری سینی کشور های تحت سلطه و توارگر بندریک بلوک بندی سرما به مالی جهانی از جد ما هیتی برخوردار میباشند و علیاً بسگوند در گیریها چه دستوارند (ما سند جنگ سس سرکه - یونان) ."

پاسخ سؤال ۲ - این موضع جنگی

طبعاً دارای ماهیتی ارتجاعی بوده و به زبان مردم کشورهای درگیر در جنگ مساند. این جنگ ها نتیجه تدرقه و رقابت و تضاد درون اردوی ارتجاع است که بر خلاف اردوی نیروهای واقعا انقلابی ضمن دارا بودن منافع مشترک در برابر انقلاب بهادار با هم همجنسی دارند و چه بسیار مواقع که علیه یکدیگر توطئه میکنند و جنگ و دعوا راه میاندازند. همچنین استگوند جنگها و سله مناسبی برای اشرف اذهان عمومی یک کشور (مانند مورد ترکیه و یونان) ارتداد دشمن مشترک اصلی خود یعنی امپریالیسم بوده و از اینرو امپریالیستها از با بن تشدید کننده و عداوت ملی میسان خلقهای زیرستم بین کشورها نفع بسیار میدرد. امپریالیستها با داس زدن به این جنگها سلطه خود را بر این کشور محکم کرده و تغییراتی را که در شرایط صلح برای این کشور بوده با راحتی بیشتر عملی میسازند. گذشته از اینها این جنگها با زامناسبی برای سلاطین جنگ افزار بوجود میآورد.

"سؤال ۳ - آیا مداخله یک کشور عضوناً تو ما سندر ترکیه، هم بیمانان این کشور را موظف نمیا زدن بطور رسمی بیاری اوشتا سندا؟ اگر چنین است آیا بلوک بندی نظامی ما تودر این مقطع تاریخی در شرایطی فراردارنده که ترکیه را مجبوره مداخله در امور کشور ما سندا سندا؟"

پاسخ سؤال ۳ - آیا مداخله یک کشور عضوناً تو ما سندر ترکیه، هم بیمانان این کشور را موظف نمیا زدن بطور رسمی بیاری اوشتا سندا؟ اگر چنین است آیا بلوک بندی نظامی ما تودر این مقطع تاریخی در شرایطی فراردارنده که ترکیه را مجبوره مداخله در امور کشور ما سندا سندا؟

طبعاً دارای ماهیتی ارتجاعی بوده و به زبان مردم کشورهای درگیر در جنگ مساند. این جنگ ها نتیجه تدرقه و رقابت و تضاد درون اردوی ارتجاع است که بر خلاف اردوی نیروهای واقعا انقلابی ضمن دارا بودن منافع مشترک در برابر انقلاب بهادار با هم همجنسی دارند و چه بسیار مواقع که علیه یکدیگر توطئه میکنند و جنگ و دعوا راه میاندازند. همچنین استگوند جنگها و سله مناسبی برای اشرف اذهان عمومی یک کشور (مانند مورد ترکیه و یونان) ارتداد دشمن مشترک اصلی خود یعنی امپریالیسم بوده و از اینرو امپریالیستها از با بن تشدید کننده و عداوت ملی میسان خلقهای زیرستم بین کشورها نفع بسیار میدرد. امپریالیستها با داس زدن به این جنگها سلطه خود را بر این کشور محکم کرده و تغییراتی را که در شرایط صلح برای این کشور بوده با راحتی بیشتر عملی میسازند. گذشته از اینها این جنگها با زامناسبی برای سلاطین جنگ افزار بوجود میآورد.

"سؤال ۳ - آیا مداخله یک کشور عضوناً تو ما سندر ترکیه، هم بیمانان این کشور را موظف نمیا زدن بطور رسمی بیاری اوشتا سندا؟ اگر چنین است آیا بلوک بندی نظامی ما تودر این مقطع تاریخی در شرایطی فراردارنده که ترکیه را مجبوره مداخله در امور کشور ما سندا سندا؟"

پاسخ سؤال ۳ - آیا مداخله یک کشور عضوناً تو ما سندر ترکیه، هم بیمانان این کشور را موظف نمیا زدن بطور رسمی بیاری اوشتا سندا؟ اگر چنین است آیا بلوک بندی نظامی ما تودر این مقطع تاریخی در شرایطی فراردارنده که ترکیه را مجبوره مداخله در امور کشور ما سندا سندا؟"

"سؤال ۳ - آیا مداخله یک کشور عضوناً تو ما سندر ترکیه، هم بیمانان این کشور را موظف نمیا زدن بطور رسمی بیاری اوشتا سندا؟ اگر چنین است آیا بلوک بندی نظامی ما تودر این مقطع تاریخی در شرایطی فراردارنده که ترکیه را مجبوره مداخله در امور کشور ما سندا سندا؟"

"سؤال ۳ - آیا مداخله یک کشور عضوناً تو ما سندر ترکیه، هم بیمانان این کشور را موظف نمیا زدن بطور رسمی بیاری اوشتا سندا؟ اگر چنین است آیا بلوک بندی نظامی ما تودر این مقطع تاریخی در شرایطی فراردارنده که ترکیه را مجبوره مداخله در امور کشور ما سندا سندا؟"

"سؤال ۳ - آیا مداخله یک کشور عضوناً تو ما سندر ترکیه، هم بیمانان این کشور را موظف نمیا زدن بطور رسمی بیاری اوشتا سندا؟ اگر چنین است آیا بلوک بندی نظامی ما تودر این مقطع تاریخی در شرایطی فراردارنده که ترکیه را مجبوره مداخله در امور کشور ما سندا سندا؟"

"سؤال ۳ - آیا مداخله یک کشور عضوناً تو ما سندر ترکیه، هم بیمانان این کشور را موظف نمیا زدن بطور رسمی بیاری اوشتا سندا؟ اگر چنین است آیا بلوک بندی نظامی ما تودر این مقطع تاریخی در شرایطی فراردارنده که ترکیه را مجبوره مداخله در امور کشور ما سندا سندا؟"

اقتصاد ایران از بحران به گجاهی رود...

درباره بودجه ۱۳۴۰

دیگر مدای همه در آمده بود
 است . بودجه ۱۳۳۵ دولت
 از جایی ، غیر غم انواع و اقسام
 توجهات کودکا نه ای کس
 استندین و بلند کوهای تپلیغا -
 تپان بکا رگیر بندگوار روشن
 و با ررونندی است کدار تجاع
 جدید ایران بدر عا مت با نند
 بهشتی و شرکاء سوی واسته
 کردانیدن هر چه بیشتر اقتصاد
 با ایران به ایر ندرتیا و بخصوص
 امپریالیستیای غرب آفراز
 کرده اند . با انیه الجزایر
 برای آزادی گروگا نیای آمر -
 انکایی که ما آنرا قرار داد ساز
 بزرگ با نیطن بزرگ تمام
 نهادیم ؟ برای آنها که دیده سر
 واقعات حرکت انحصار طلبان
 با کم دوخته بودند عواقب این
 چنینی را پیتی بینی سکردو
 امروز هم از این باغ سری میر -
 شد . قرار داد با شرکت تالیوت
 انگلیسی به مبلغ بیس از ۲۰
 ملیار تومان چند هفته پیش
 آشکار شد . اسناد خرید اسلحه از
 دول غربی و نقیة تکیه بر قدرت -
 های استعماری در این زمینه
 ماهیات که بر ملا شده است .
 بالا رفتن واردات در هتسه
 از مینه ها امروز واقعیت در دنیا -
 کی است که قلب همه را ببرد
 سیآورد و اینک در بودجه جدید
 تکیه بیش از پیش به فروش نفت
 و با لطیح افزودن واردات نشان
 دهنده آن است که ما با چه سرعت
 و شدتی بنوسط انحصار طلبان و
 خودکامگان حزب جمهوری و
 یاران نشان در قوای مختلف
 مملکتی بکام ازدهای امیر -
 بالیم حیانی فرو می شویم
 واقعیت روندهای اقتصادی
 و سیاسی ماهیای اخیر محست
 این ارزیابی که جریان ارتح -
 عی رهبری کنند حزب جمهوری
 ابلایی و دولت کنونی آسروز

به خواسته های اقتصادی
 - اجتماعی زحمتکشان
 جامعه شیوه واقعا
 دمکراتیک و انقلابی
 پاسخ دهد ، قادر به حل
 این بحران و التیام
 زخمهای گهنه جامعه ما
 نخواهد بود . برای خا -
 تنه دادن به بحران
 اقتصادی جامعه میا -
 یست ابتدا رژیم شاه را
 سرنگون نمود ، دست
 امپریالیستیای غارتگر
 را از ایران کوتاه کرد
 و یک جمهوری دمکراتیک
 خلق بر اساس آزادی کا -
 دل گروهها و تشکلات
 سیاسی ، صنفی ، مذهبی
 برای کلیه اقشار
 و طبقات خلقی مبتنی
 بر آزادی بیان ، اجتما -
 عات ، مطبوعات و ...
 دایز نمود . میا یست
 برابری کامل حقوق
 اجتماعی ، سیاسی و
 اقتصادی زنان سا
 مردان ... را تضمین
 نمود . میا یست در
 زمینه اقتصادی دست
 به دگرگونی کلیه منا -
 سیات چپا و لگراهه وضد
 دمکراتیک موجود زده ،
 انقلاب ارضی را در دستور
 کار روستا قرار داده دست
 کلیه نوسایب غارتگر
 امپریالیستی ، سوزو -
 کرات - کمپرادوری را
 از روستا و نام تشکون
 حیات اقتصادی میهن
 ما کوتاه نمود . میا -
 یست جنگلها و مراتع
 را ملی نمود و در روستا
 پستردا مرا طلاحات ارضی
 را بدست انحصان های
 منتخب توسط دهقانان

سپرد . میا یست صنایع
 کلیدی و حیاتی جامعه را
 بنفع زحمتکشان و عموم
 خلق ملی نمود ، قانون
 کار دمکراتیک و عادلانه
 وضع نمود ، آزادی
 اعتصاب را تضمین نمود
 و نظارت بر امور کارخا -
 نه ها را بدست کمیته های
 نظارت کارگری منتخب
 توسط کارگران سپرد .
 میا یست با نکیه سا ،
 سیمه ها و سایر موسسات
 بزرگ مالی و زمینهای
 ملاکان بزرگ را ملی
 نمود ، ثروتهای ملی و
 بویزه نفت را بنفع
 زحمتکشان از جنگال
 غارتگران خارج نمود
 بطور کلی ثروتهای
 چپاول شده توسط امیر -
 یالیستیا ، طبقات
 حاکمه و بویزه در بشار
 شاه خائن و اطرافیان
 آنها را بنفع مسردم
 مصادره نمود . و خلاصه
 کلام میا یست انقلاب
 دمکراتیک نوین را در
 کلیه شئون اجتماع ،
 سیاسی ، اقتصادی و
 فرهنگی بد پیش برد
 ساختن جامعه ای نوین
 را آغاز نمود .
 ("حقیقت" شماره ۲۴
 آذر ماه ۱۳۵۷)
 دوماه بعد یعنی در بیمن
 ۵۷ میل خروشان تاریخ در
 خروش خشمگن ملت بروجوبای روی
 سلطنت محمدرضا شاه را در هم
 کوبید ، اما ساختار بنکه حکومت
 واقعی زحمتکشان و اکثریت
 خلق در جامعه برقرار نشد ، شد
 تنها در بسیاری زمینه ها هنج
 گونه دگرگونی اساسی صورت
 یافته در صفحه ۲۴

اقتصاد ایوان ۰۰۰

بقیه از صفحه ۲۴

ناریدیکر بظرفی که ملت ما هدایت شده است قرار است که بازار ایران با کالاهای صادره، شرکتیای امیربالیستی انبار شود و بار دیگر بنام ایران (اگر موقعیت جنگی اجازه دهد) اطراف گاه کشتیها بی خواهد شد که محمولات سرمایه داران غرب را برای تخییر بازار ایران سرازیر میکنند. این نه تنها بنیانگرد ورنمایی است که بودجه، تاریخ ساز (۱) آقای مکتبی به ما وعده میدهد بلکه در عین حال از آنجا که با بلاغت محض در ارتباط با تنگناهای موجود در اقتصاد ایران و ظرفیت بنا در در شرایط کنونی تنظیم شده است هرگز نخواهد توانست به هدف های پیش بینی شده خود نیز دست یابد. بنا بر این در نتیجه این وضعیت بخش قابل توجهی حداقل ۱۰۰ میلیارد تومان از ثروت های ملی ما بصورت سپرده ارزی در بانکهای امیربالیستی اسیر خواهد شد. و در اینجاست که دروغ بزرگی که تحت عنوان اولین بودجه بی کسری تاریخ ایران تحویل داده اند بر ملا میشود. چرا که در همین رابطه ما شاهد یک حداقل ۱۰۰ میلیارد تومانی کسر بودجه هستیم.

اما در رابطه با درآمد های دیگر دولت، تکیه مستقیم آقای رجایی واریان و در رهبری حزب جمهوری اسلامی بر روی مالیاتهای غیر مستقیم یعنی مالیاتی است که دولت بر کالاهای مصرفی میکند. این مسئله

بروشتی نشان میدهد که ما در سال آینده فشار بیشتری را در زمینه گرانی و تورم باید تحمل کنیم. بطور کلی تکیه بر سرمایه های غیر مستقیم همواره از خصوصیات دولت های وابسته به سرمایه داران و تجار بزرگ بوده است. مالیات های مستقیم و تنها عده که سرمایه داران بزرگ و مالداران مفتخوار را در جامعه به خطر می اندازد اما ما در برنامه رجایی جایی ندارد. جنبی سیاست اتکاء به فروش اوراق قرضه که از راه های سنتی بود رزوازی ملی ایران برای حل مشکلات در شرایط بحرانی بوده است، برای دارودسته حاکم در حزب و دولت مکتبی مقرون بمرغه نبوده است، چرا که ایمن سیاست محتاج دریافت مالیاتی از سرمایه داران بخش خصوصی میشده است که امروزه سازمان اقتصاد اسلامی و انواء مشابه آن در جامعه که بقول تنبلی در سال گذشته ۱۲۰ میلیارد تومان سود برده اند از خود زسیام داران آن هستند، میشده است.

از این خطوط کلی در زمینه درآمد ها میتوان بسادگی ماهیت بزنا مه های اقتصادی دولت کنونی را در یافت. دارودسته بهشتی و حوزب و دولت دست نشانده آنها بر خلاف تصور شایع در باره ای محافل بهیچوجه نماینده خسرده بورژوازی و طبقات متوسط جامعه ما که نقش فعالی در انقلاب آزادیخواهان و استقلال طلبانه ایران داشته اند نیستند. آنها اگر چه از پاره ای کژ اندیشی های ریشخوار در اقتصاد رستی خرده بورژوازی ایران برای توجیه سیاست های خود دست و پا کردند متحصص توده ای سود میجویند اما در واقع بیانگریک ارتجاج بورژوا فکودالی - بوروکراتیک جدید در جامعه هستند که از زبان پاره ای از ملاکین و تجار شکل گرفته، سر قدرت دولتی و سرمایه ها و خزان دولتی مسلط

شده و اینک سرعت راه پیمایی بهاریان امیربالیستی را می بینیم.

پروسی بودجه سال ۶۰ از لحاظ هزینه ها

نگاهی به هزینه های بودجه ۱۳۶۰ نیز همین حقیقت را بار دیگر نشان میدهد. کارگران ایران بخاطر دارنده چگونه در سال گذشته سود ویژه و عیدی و پاداش آنها به پیمانده شرايط جنگی از جانب دولت مورد حمله قرار گرفت. بسیاری از حمتکشان این جامعه در ارتباط با همین مرفه جویی های کذایی در مرفه های مختلف اجتماعی از کار ریزیکار شدند. ولی هزینه های دولت در سال آینده به ۳۳۰۰ میلیارد ریال یعنی بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان بیشتر از مقدار هزینه سال ۵۹ بالغ میشود. مردم ما حق دارند بپرسند و باید بپرسند که این هزینه های نجومی برای چیست؟ آیا این نیست که کسه اینان میخواهند بخرج ملت دستگا و جیروت فاشیستی خود را مستحکم کنند. سخن بپراکنان و توجیه گران دولت چنین می گویند که ما این هزینه ها مقصد ایجاد اشتغال، بالا بردن تولید و ایجاد رفاه برای زحمت کشان جامعه است. آنها مدعی است که دو نمونه بزنا مه بنسب "ج" در اصلاحات ارضی و سیاست ملی کردن بزرگانی خارجی را گواه بر این میگیرند که قصد برقراری "قسط" یعنی مساوات در جامعه و ضدیت با "استکبار" یعنی زور مندان و قلد رمنشان را دارند. اما آنها دروغ میگویند! دروغ می گویند چرا که دیدیم چگونه خود قلد رمنش ترین و "مستکبر تر" بین زمینداران و سرمایه داران را در کشف حمایت خود گرفته و به نماینده آنها تبدیل شده اند. نام اشال محمد یزدی و یوسف مانیعی که یکی بنام بنسب

حزب حیدری در سمت بنسب و دیگری از نمایندگان همین مشروعه چنان در شورای نگهبان قانون اساسی است در زیر پیمانهای که در آن احسرای اصلاحات ارضی و همین سند "رامنافی اصول دین خودشان شمرده اند، بچشم میخورد (رجوع کنید به بیانیه علمای حوزه علمیه قم در رابطه با برنامه سیاست ملی کردن بزرگانی خارجی نیز برای اینان بجز انحصاری کردن واردات در دست خودشان معنای دیگری ندارد و آنها بهیچ روقصد ندارند که واردات را محدود کنند و درهای اقتصاد ایران را در مقابل هجوم کالاهای امیربالیستی ببندند. نمونه سازمان اقتصاد اسلامی که در هفته های گذشته نقش آن را بر ملا کرده ایم و نمونه همین بودجه کذابی که در باره مسئله واردات و نقش آن در اقتصاد بزنا مه ریزی شده در این بودجه سخن گفتم گواه این مدعی است.

این دولت نه میخواهد و نه میتواند که برای سردم و کارگران ایران اشتغال ایجاد کند و تولید را بالا ببرد و برای زحمتکشان رفاه و موقعیت اقتصادی مستحکم ایجاد نماید. نمونه سیاست های آقایان که امروز در دالانهای تاریک وزارتخانه های مکتبی تدوین میشود در رابطه با اشتغال جمعیت میلیونی بیکاران ایران پرده از ماهیت این آقایان برمیدارد. از یک طرف آقای فواد کرمی نماینده مجلس امریه تعطیل صنایع فولاد اهواز و بسیاری کارخانه دیگر میدهد. از طرف دیگر معاون فرماندار آبادان از صدام تشکر میکند که با بمباران صنعت نفت آبادان او را ندمرتح مستبد بین رادر بر انداختن نظام وابسته حاکم بر صنعت نفت بیاری داده اند. و ناگهان از طرف سوم قرار دادهایی که با

اقتصاد ایران

سابقه از صفحه ۲۵

شرکت انگلیسی تالیوت و ژنرال موتورز بسته میشود از حقیقت ماجرا برده بر میدارد. آری این اشتغالی است که آقا بیگان بدنیال آن هستند، اشتغال در صنایع مونتاژ و وابسته و این تازه یک گوشه ماجراست. خبر دیگری حاکی از آن است که قمارسال کارگران ایرانی به کشورهای دیگر از جمله لیبی (ولی نه محدود به لیبی) طرح دیگر سران مکتبی دولت برای حل مسئله بیکاری است. در رابطه با هر یک از این برنامه های خائنه حق این است که مقالات مفصلی نوشته شود و لیبی نکته اینجا است که سفره ای که آقا بیگان دولتمردان باز کرده اند در حقیقت برای غارت همه شروت های ملی ایران بتوسط بیگانگان گشوده شده است. و باز هم از مسئله بودجه کذایی و جایگاه آن در ایجاد اشتغال سخن میگویند! تجربه نشان داده و خواهد داد که چگونه برچمن ایجاد اشتغال برای کارگران کدایان امروز برای توجیه این بودجه برافراشته اند در واقع تنها به ایجاد اشتغال کذایی و سرکوب بیکارانی که برای کار به مبارزه بر میخیزند تبدیل میشود.

در بودجه کذایی صحبت از برنامه های رفاهی هم هست. چنین بنظر میرسد که منظور از این برنامه ها همانا ایجاد آن شرکت های خدمات روستایی و ستادهای مربوطه است که این روزها تبلیغ آن را رایج کرده-

اند. باید دانست که جدا قایان بخوانند و چه نخواهند مسئله اصلی روستای ایران مسئله زمین و آنهم نه تنها زمینهای با بریلکه خصوصاً زمینهای دایر ملاکان بزرگ است. دهقان ایرانی برای زمین مبارزه میکنند و این مبارزه را کسری خواهد داد دوهفته نیروها را بسته موضوعی در ارتباط با حرکتی وادار خواهد کرد. کسانیکه این بودجه کذایی را سران مدعی کار خود اعلام کرده اند باید مدققانه سمد تومان به روستا نشان بالائی ضمت سال (۱) و افزودن سهمیه قند و شکر نخواهند توانست ضدت بنیادی خود را با حل مسئله ارضی دهقانسی در ایران مخفی کنند.

دولت رجا بی درزبینه هزینه های سال جاری اساساً استحقاق بخشیدن به مواضع دارودسته حزب جمهوری در عرصه های مختلف جامعه خواهد پرداخت و آنچه که در زمینه هزینه ها برای اختصاص دادن به مردم وسائل واقعی آنها در نظر گرفته شده جز همان زمینه های انحرافی پیش گفته نبوده و آنهم هر روز محدودتر میشود.

چگونگی بکار گرفته شدن درآمدها و هزینه ها گواه مقاصد استبدادگرا نه اورتجاصیون است!

در ابتدای مقاله گفتیم که مدای همه درآمدها است. قضیه این است که بودجه کذایی با مواعظی که در شمردها مطرح کرده است، در واقع میخواهد تا دست احصاء طلبان را در استفاده از اعتبارات به هر طریق که تشخیص میدهد باز بگذارد. مسئله نظارت و برنامه ریزی سازمان برآمده که کویا هنوز کاملاً در دست یانده بهیچنی ویرکا، قرار گرفته

حکام های مالی دریافت شده

شهر	کد	مبلغ	نوع
اصفهان	۲۰۰۰	ریال	صدیقه - ق
"	۱۰۰۰	"	خ
"	۲۰۰۰	"	م
"	۵۰۰	"	ر
"	۵۰۰	"	الف
"	۱۰۰۰	"	ک - ی
"	۱۰۰۰	"	ب
"	۱۰۰۰	"	رفیق و و همسر
"	۱۰۰۰	"	فریده
"	۱۴۰۰	"	رفیق دانش آموز
"	۲۰۰۰	"	مادر
"	۵۰۰	"	ب - ی
"	۳۰۰۰	"	ک - ف
"	۱۰۰۰	"	ب - ی
"	۱۵۰۰	"	ب - ی
"	۵۰۰	"	ب - ی
"	۲۰۰۰	"	ب - ی
"	۱۶۲۵۰	"	سپوش - ج
"	۱۰۰۰۰	"	مهری - ق ، مطم
"	۲۰۰۰	"	۴ نفر از رفقای کارگر
"	۲۰۰	"	ب - ی
"	۱۳۰	"	ا - د
"	۱۰۰۰	"	دانش آموزان دبیرستان

پاسخ سؤال هفته

متأسفانه زودتر از شما خواننده نیز هوش آقای دکتر با هنرپای سخ این سؤال را داده اند و برنده شدند.

" مشکل عمده ما آنست که نیروی عظیمی اردان جنوبان متعهد (بخوان حزبی) ما در شیاهای انقلابی (بخوان حزبی) مشغول فعالیت (بخوان جماداری) میباشند. بازگشتی دانشگاه با بیدارگونی با شد که به این نهادها تسبیسی وارد نشود." (جمهوری اسلامی - ۶۰/۲/۲۱)

بسیار متذکر دیگر حزبون بدانند از کانی که در متعهدند! ندارند و نمیخواهند در میان و شهر و روستا جماداران شده باشند و هم در دانشگاه. انشا اللہ با استخدام جماداران جدید ساخت شوروی، سوریه و... برخی هم با مارک MADE IN U.S.A این مشکل عظیم نیز حل خواهد شد.

است بر چگونگی اجرای برنامه ها نندیده گرفته میشود و حتی قوه مقننه که اکثریت آن در شرایط کنونی آلت دست و ساجیره خوار حزب جمهوری هستند نیز با طرا نکهت میکنند و دلیل وجود نیروهای مخالف در مجلس با عت گرفتاری شونند بلطف همین ضوابط شمرده ها از رسیدگی محروم می شود. قضه روتن اسب و همگان ما بدان را درک کنند. سال ۱۳۶۰ سال تبعیض تکلیف است، جبهه مستبدین خاست بنده به سردمداری حزب جمهوری اسلامی در این بودجه کذایی در واقع میخواهد که زمینه را برای تحسین تکلیف ما همه اقتضار ملت فراهم یارد. اس بودجه شپانده و سلب یک دولت مستبد

و منمکر که هر مدای آزادخواها نه و استقلال طلبان به ای رادر نطفه خفه کنند امکان اجرا شدن خواهد داشت و در صورت هم حتی با مشکلات بشمار مواحد خواهند بود. بنا بر این اسبنداد جوان ناچار به تبعیض تکلیف میشوند. اما مردم هم با بد خود را برای تبعیض تکلیف آماده کنند. دارودسته استبدادگر خیانستنه باید در صحنه سیاست ایران با مبارزات بوده ها در هم کوبیده شود و راه برای ادا بد انقلاب ایران باز نگردد. بودجه کذایی سال ۱۳۶۰ یک مدرک جرم دیگر است و ما سوی دادگاه جهانی دادگاه عدالت خلق سه بیستی میروسم.

نامه یک پاسدار به نشریه حقیقت

پاسداران، سربازان و رزمندگان مسلح کشور را انجام هم بردشمنان میاجم وهم بسر خیانتکاران داخلی ناشق خواهند آمد.

اردیبهشت ماه ۱۳۶۰، در محل یادگان نصر

من پاسدار انقلاب بودم و از اول انقلاب در کمیته فعالیت داشتم. پس از دو سال پاسداری بعدنا مه ای آمد که برای مصالحه و متحمان اشدلوزی (ایدئولوژی) سه کمیته مرکز را جمع کنیسد در تاریخ فروردین، بعد من رفتم کمیته مرکز و در راه باده با سئوالهایی که میکردند سعی میکردند که تفتیش عقاید کنند در صورتی که خود آنها گفته بودند که در اسلام تفتیش عقاید نداریم در صورتی که سئوالهایی که از من میکردند مثال که نظر شما راجع به بنی صدر چه؟ در نظر راجع به آخوندها چه؟ در زمان شاه چه طرز فکری راجع به آخوندها داشتی آنها را بصورت یک روزه خان (روژه خوان) نگاه میکردی یا نه؟ گفتم که آخوندها را بصورت یک روزه - خان نگاه میکردم... بعد قبول شدم. من را برای اشدلوزی و نظامی به یادگان نصر فرستادند و در کلاس بحث آزاد راجع جنگ سئوال کردند که گفتم اگر اسلحه در اختیار توده مردم قرار دهند هیچ کشوری یا دولتی نمی تواند بر آن حکومت کند که بعد گفت حالا بنشین سمد راجع آن صحبت میکنیم.

راستی در این یادگان در حدود ۲۰۰ نفر تعهد (تحت تعلیم) قرار داشتند در حدود هفتاد نفر بنی صدر را قبول داشتند و در حدود ۸۰۰ علا (الی) ۹ نفر اصلا با این حکومت مخالف بودند که یکی از آنها خود من بودم و در حدود ۱۲۰ علا ۱۴۰ نفر

نامه زیر را اخیرا یکی از پاسداران انقلاب اسلامی که سرتاسر است انحصار طلبانه و تحملات فاشستی روحانیون مشروعه چی و حزب ارتجاعی حاکم در کمیته ها از شناسل پاسداری استعفاء داده، به اتحادیه کمونیستهای ایران نوشته است. نامه، این برادر انقلابی پاسدار مدرك زنده ای است که نشان میدهد که چگونه حزب جمهوری اسلامی و عوامل خیانتکار آنها در کمیته ها میکوشند جوانان پاسدار را بعنوان نیروئی علیه مردم و انقلابشان سا زمان داده و به آلت دست انحصاری خود تبدیل کنند. ما ضمن آنکه به این برادر پاسدار را مطمئن میدهم که اتحادیه کمونیست های ایران همچنان و علیرغم اخلاک گراییها و کار شکنی های ملایان مشروعه چی و حزبی های خائن در جبهه های جنگ به وظایف ملی و میهنی خود در کنار رزمندگان دلیر جبهه ها در حراست آزادی و استقلال و تمامیت ارضی وطن عمل خواهد کرد و با بیعت تجا و زگر و اربا باش خواه جنگید، از او و از همه عناصر انقلابی، میهن پرست و پاک سرشت در سپاه پاسداران میخواهیم که صرفا به کناره گیری و مخالفت منفعل با این دشمنان نورسیده، انقلاب بسنده نکرده بلکه مشکل شوند، همچنان سلاحهای خود را که سلاح های مردم است نگهدارند و در اتحاد با توده های ملت و انقلابیون واقعی کشور خویش در برابر بسط حاکمیت جهانی این دارودسته خائن و تبهکار فعالاندا ایستادگی نشان دهند. مردم ایران با همراهی شما

حزبی بودند، برای این آمدند بیرون چون آنها میخواهند کمیته ها را بصورت یک یادگان در بیا و برند و آنها را سا زمانند. هی کشند تا در موقع تظا هرات ویا راه پیمائی به خیابان ها سریزند و مردم را بکشند و من نمی توانستم در یک محیط آنچنانی با هم بیرون آمدم.

من پاسداری بودم معتقدیه مردم و به ملت بسودم و میخواستم بیروم جنگ با عراق که بوسیله آمریکا با درمیان گذاشته است و فقط برای حفظ آب و خاک عزیزان و آنها

افرادى را میخواهند که عین خودشان باشد فقط معتقدیه فقط آخوندوسی در آن کشند که فقط آنها را بر سر پانگه دارند و به همین دلیل نپذیرفتند که به جنگ بروم.

من از شما و از سا زمان شما انتظار دارم که برای حفظ خاک وطن با این رژیم سدام سرسپرده آمریکا مبارزه کنید و در آن جنگ تحمیلی بصورت فعال شرکت کنید تا یک درسی به صدام و به ازبا نشان داده شود و دیگر جرئت به خود ندهد تا به هیچ کشوری حمله ببرد.

آوارگان ...

ستبه از صفحه ۱۶

سقف و پنجره های آن پوشیده نشده و کف آنها نیز هنوز صاف نگردیده است، ساکنان آن اکثرا از زحمتکشان عرب روستا های اطراف خرمشهر و آبادان و همچنین زحمتکشان عرب شهرهای آبادان و خرمشهر میباشند و در وضعیت بسیار بدی قرار دارند، حقوق بگیر نبوده و در شرایط فعلی هیچگونه درآمد و منبع مالی ندارند، از آنجا که روستا های آنها زودتر از همه جا مورد تجاوز قرار گرفته اکثرا کوچکترین وسایلی از زندگی خود را به همراه نیاورده اند و در حال حاضر وسایل اولیه زندگی یک خانه فقیر روستایی را نیز ندارند. دولت به اصطلاح " قاطع " و مکتبی آقای رجایی با این همه هدا یا و کمکهای مردم ایران به آوارگان تنها امکاناتی که در اختیار این آوارگان زحمتکش قرار میدهد و امروزه شب و روز به اصطلاح خوراک تبلیغاتیشان شده است در هر ماه بهر نفر آذوقه زیر را " هدیه " میدهد.

۱ - یک کیلو خرما ، ۲ - هر نفر ۴۰۰ گرم حبوبات ، ۳ - ۲ کیلو برنج ، ۴ - ۳ کیلو آرد و ۲ کیلو بیا زوسیب زمینی اگر " لطف " کنند و هر چند ماه یکبار پنیرویا تخم مرغی از مرکز ارسال " فرمایند " ۴۰۰ گرم به هر نفر میدهند.

یعنی در واقع کل خرج دولت برای یک نفر جنگزده که به اصطلاح تحت پوشش " دولت " قرار دارند با نرخ بازار ۶۰ تومان در ماه میباشد که این مبلغ برای خود دولت بیش از ۲۰ تومان خرج نخواهد داشت. حال آنکه کسی که هیچ کار و درآمدی ندارد با این مبلغ و میزان چگونه زندگی باید بکند و چه وضعیتی خواهد داشت؟ درک درست این وضعیت با آنها یی خواهد بود که با دیداری از وضع هموطنان آواره بنما یند و با تصور نیسوه ای از زندگی روستایان کشور ما باشد.

اینجا دیگر مسئله اینست که چه دوست داریم بخوریم و کدام خوب است نیست، مسئله این است که چگونه شکمان گرسنه نمائند؛ در گرهای سوزان و طاقت فرسای اینجا از کولروپنکه که

دستمزد...

بقیه از صفحه ۲۰

کا زرما یا ن بعنوان مبلغی که در ازا پیروی کار کارگران با بدبیردا زنده میماند؟ پس چگونه بعد برای دلخواه وقتا تون و مصوبه من در آوردی بخشی از این دستمزد را بالا میکشند و اعتراض بد این عمل متقلبا نه را ضدا انقلابی میخواهند؟

از دیادساغات کا روا زدیاد شدت کا رنوع دیگری از تقلب و کلاه برداری سرما یه داران میباشند، کا زرما بان چون نیروی کار کارگران را در مقابل دستمزد میخرند، سعی میکنند با بهره برداری هر چه بیشتر از نیروی کار در طی روز، حرص و طمع بی پایا نشان را با استثمای هر چه بیشتر بر آورده کنند. اضا فک کاری اجباری با شمار مردم فریب نجات میبین از نا بودی اقتصادی، بدون پرداخت یکنواهی اجرت یکی از این نمونه هاست. اگر

کا روتلاش کا رگران که همیشه یک چنین زندگی افتخار آمیزی داشته اند از نتیجه ای هم بر زندگی رقت با را نجا داشت و با لا قتل آینه ده روشن و امید بخشی را نوید میداد، کارگران بی سروبر گرد با جان و دل در این راه گام برمیداشتند ولی اگر قرار با شده دیگران میلیاردها تومان بالا بکشند و سهم کارگران لغو بخشی از دستمزدشان بنا مود ویژه باشد، با یستی در خبا شت و متقلب بودن دست اندر کاران حکومت مطمئن بود، از دیاد شدت کا رهم با افزایش دورما شین آلات، رقابت مصنوعی انداختن بین بخشهای متعدد تولید، و پرداخت اجرت در ازا پیروی تحویل تعداد مشخص از تولید، در اغلب کارخانجات ادا مه دار و کارگران از روی ساده دلی بدام این تله هائی که عفریت مرگ و فرمای جان و روان در آن نهفته است میافتند.

ایجا دستورم و کرائی وسیله دیگریست در دست سرما یه داران برای استثمای کردن و چا پیدن هر چه بیشتر کارگران. وقتی میگوئیم تورم موجود آمده یعنی اجناس نسبت بگذشته در بسیار گرانتتر شده است. یعنی ارزش پول و قدرت خرید پائین آمده است. اگر در پیروزی ۱۰ تومان یک کیلو پرتقال میشد خرید امروز با همان پول نیم کیلو هم نمیشود تهیه کرد. کا زرما یان در مقابل فروش نیروی کار کارگران جنس و ما یحتاج زندگی پرداخت نمیکنند. آنها کا غذی بدست زحمتکش میدهند که فایده اش پول است. این پول مثل حواله میماند. با دادن این حواله بدست فروشندهگان نیا زمیندییای زندگی با یستی تا مین شود، ولی فروشنده اجناس را از جا آورده؟ مسلمانیک عمده فروش و یا تا جرایه مان کا زرما های کا رخانجات اجناس را خریده و تحویل فروشندهگان داده است. اگر کا زرما ها اجناس تولید شده را اگران بفروشند و بعد تاجا رو واسطه ها، و عمده فروشیها چندین مقابل روی قیمت اجناس بکشند چه میشود؟ معلوم است جنس گران میشود. یعنی حواله کا زرما کمتر ارزش پیدا میکند. تجار و فروشندهگان کا هی اجناس را نا بود کرده و یا پنهان میکنند تا جنس در با زا ر کم بشود و یا طرنیا ز مردم و هجو میکه بخا طرا احتیاج برای خرید میآورند، قیمتها را بالا ببرند. یعنی در حقیقت سرما یه داران با این حقه بازی زیرکانه دستمزد کارگران را کم میکنند. مثلا اگر یک کارگر استان رلایت ۸۰ تومان حقوق بگیرد

و قیمت هر حقیقت: و را ب ۸ تومان با مدیسی در دست کارمندان استان رلایت در مقابل فروش نیروی کارش ۱۰ جفت جوراب روزانه تحویل گرفته است. حال اگر در اثر تورم و کرائی جوراب را فروشندهگان ۱۶ تومان بفروشند یعنی همان کارگر در ازا هفتان نیروی کار، فقط ۵ جفت جوراب تحویل گرفته است. پس بقیه جورابها چه شد؟ بقیه با مابارک کا زرما و دلال واسطه، و عمده فروش و غیره رفت. مسلمان کارگران بخاطر فشار یکدیگر بعلت کرائی و تورم به آنها تحمیل میشود روزی دست به مقاومت و اعتراض میزنند. تنها حربه کارگران هم در استدای اعتراضها و مقاومتها، بصورت اعتصاب یعنی دست کشیدن از کار است. آبات عظام و سلسلین مکتب مستضعفان کذابی این عمل به حق را که در حقیقت مقاومت برای زنده ماندن و زندگی کردن است را حرام میدانند. توده ایهای وطن فروش خاشن هم با اکثریتهای ایسن حرکت انقلابی را ضدا انقلابی و همپای با آمریکا میدانند. حال شما خودتان قضاوت کنید که چه کمکی حامی دشمنان مستضعف و کارگران است و چه کسی طرفدار واقعی حقوق زحمتکشان؟ حزب توده با افتخار در صفحات کارگرنش با تیترو درشت می نویسد "اعتصاب و تحمیل حربه ضدا انقلاب است"

ادا مه دارد

آوارگان در آغا جاری...

بقیه از صفحه ۲۷

املا خبری نیست هیچ، اکثر اسایه بانی هم بر سالی سرندارند، و بهداشت و نظافت هم همانقدر است که برای هر چند خانواده در چند متری دور از خانه شان یک شیر آب گذاشته اند که با بدبوی و لظف و دست و رووتامی نیا زمیندییای خود را بوسیله آن رفع نمایند و زهر آبیهای ناشی از مصرف آب محوطه را به با طلاقسی تبدیل نموده است که بعلت گرما و انبوه حشرات و بوی ناشی از آن تقریبا میشود گفت که هوا بوی ضد عفونی است. با دهای گرم و طوفانی که اینجا بعضی اوقات با آن روبرو میشویم و گرد و خاک ناشی از آن ساختمانها را مدتها میپوشاند بلکه اگر گلیمی هم باشد که اکثریست به هوا خواهد ببرد، کودکان زحمتکش عرب که امروزه اگر همه چیز کم است خوشبختانه آنها بتعداد کافی میباشند در گل ولای روز را به شب میرسانند. البته هیچ کاری که بتوانند در آمدی برای زندگی آنها تا مین کنند موجود نیست ولی به "لطف" دولت آقای رجایی و ستاد حزبی جنگ تمام اوقات روز را در این هوای گرم با بدبویهای طویل که امروزه بقول یکی از همین آوارگان بهترین حرفه و صنعت مردم ایران گذشته است برای گرفتن همین مقدار نا چیز کم کذایی دولت بگذرانند و اینجا لهایی که این صفها براه میاندازند و اعصاب کشی ناشی از آن "تفریح" روزانه و زورگوئیها و "خوش زبانی" به اصطلاح مسئولین را میتوان از بر نامه های "تقویت" روحیه این هموطنان عزیز دانست.

آنها آوارها انداز روستا و شهر و کا شانه، خویش ولی متعهدند در مقابل تمامی میبوی عزیزان، آنها سیر کردن شکم بچه هایشان برایشان مسئله گشته است ولی هنوز با محبت پذیرای مهمان هستند. ای هموطن و این را از سر زندگی پاک و صادقشان آموخته اند و آموزشگاهشان مزارع رنجشان بوده است، ظاهربین مباحثای هولوایتی که جا به جا میگویند و باره شان و سروروی بهراز گرد و خاکشان نمیتواند در با یی از عا ظفه و محبت و انما نیست قلبهای بزرگشان را بپوشاند. آنها در زیر سخت ترین فشار زندگی هستند ولی تصمیم قاطع دارند آخرین وجب سرزمینشان را با زستانند، آنها در زیر فشار روحی هستند ولی ایمانی قوی

بدنبال توقیف ۱۰ ماشین دیزل حامل خواروبار و آذوقه در نزد یک روستای ایران‌شاه (بین دیواندره و سنز) توسط پاس-داران که به مقصد سنز در حرکت بود، بازاریان سقز ضمن بستن دکان و بازخواستار آزاد ساختن اجناس توقیف شده و همچنین باز شدن راه سنز-میاندوآب (راهی که آذوقه و ما یحتاج عمومی مردم سقز از آن سر می‌تواند رزانترا می‌گیرد) میگردند. دلیل پاسداران برای متوقف کردن اجناس مزبور گویا حاصل آنها به یونان و برای پیشبرگان بوده است. در تاریخ ۶۰/۲/۱۵ بازار-بان پس از دوروز مقاومت برای رسیدن به خواسته‌ها بیشان مورد حمله جا شها و پاسداران قرار میگیرند. طی این تهاجم پاس-داران و جاشها قفل ۱۰ منازده را شکسته و حدود ۹ نفر از بازاریان را دستگیر مینمایند. در پی اوگیری اعتراضات مردم در همین روزها ماشین‌های حامل آذوقه و خواروبار بطرف سقز حرکت میکنند.

۶۰/۲/۱۵

بعد از ظهر این روز یک کاسکا روستایی (اهل یکی از روستاهای اطراف سنز) در حال بیکه پای پیاده بطرف بوکان در حرکت بود و مقداری جنس جهت فروش در بوکان با خود حمل میکرد. در همین راه مورد تیراندازی افراد دمکرات قرار میگیرد. روستایی می‌ایستد و به تفنگچی‌های دمکرات اعتراض میکند، تفنگچی‌های مزبور با قیافه‌ای حق بجانب از روستایی مزبور میپرسند: "چرا به صدای ایست توجه نمیکنی؟" روستایی در جواب میگوید که صدای ایشان را نشنیده‌است، اما آنان با بنای بی-توجهی، روستایی را ۴۵۰ تومان جریمه میکنند و بدو میگویند این فقط پول فشنگها نیست که بخاطر شما هدر رفته‌است.

توضیح: دمکرات و نیروهای دولتی از عبور ماشین در جاده سنز-بوکان جلوگیری میکنند و وسایل نقلیه ناگرمیرا ز جاده‌های خاکی و دور دراز این مسافت را طی میکنند و در نتیجه ۴۰ تومان کرایه میگیرند. افرادی نظیر روستایی مزبور که معمولا آه در بساط ندارند و مجبورند پای پیاده و از جاده اصلی اجناس خود را به بوکان حمل کنند.

۶۰/۲/۲۳

از ساعت ۹ بعد از ظهر شهر سقز مورد حمله میگهای متجاوز عراقی قرار میگیرد. پدافند هوایی بکار میآید اما نمیتواند این حمله را دفع کند. در طی این تهاجم که حدوداً پانزده دقیقه بطول انجامید یکی از بیگانه‌های نظامی بمباران میگردد که از سیران تلفات آن اطلاعی در دست نیست.

۶۰/۲/۲۵

در این تاریخ فردی بنام ضریفی که نما بنده سیاه دماغ-داران در آموزش و پرورش سقز میباشند، به جرم همکاری با ساواک متحمله دستگیر میگردد.

۶۰/۲/۲۵

آموزش و پرورش سقز طی اطلاعیه‌ای خطاب به کارمندان و معلمان مدارس اظهار میکند که در صورت برپا شده تظاهرات در مدارس، "آماده به خدمت" خواهند شد.

یک درگیری محدود بین کومه له و دمکرات، در حالیکه کومه له مشغول نقل و انتقال بوده، رخ میدهد. دمکرات پس از اطلاع از نقل و انتقال کومه له به کمین اش نشسته و بسویش آتش می‌گشاید. طی این درگیری کومه له کدیک تانک معادری همراه داشته، آثار منجر کرده و بدرد می‌نماید. در نتیجه این درگیری یک پیشمرگ کومه له و یک تفنگچی حزب زحمتی می‌میرند.

۶۰/۲/۱۷

دو میگ و چهار رله کویتر منحا و زعفرانی به زندان حسرت دمکرات "دولت تو" واقع در اطراف سردشت و مرز ایران و عراق حمله میکنند. در جریان این حمله نا جوان مردانه بیش از صد نفر از زندانیان بی‌دفاع (ارتش، پاسدار، جهادی و...) کشته و متجاوزان دو بیست نفر زخمی میگردند. دمکرات ادعا میکنند که چند تن از تفنگچی‌هایش (که اساساً می‌آنان را نیز اعلام کرده‌است) کشته شده‌اند. سازمانهای سیاسی منطقه، دفتر عزالدین حسینی و خود دمکرات این حمله را محکوم نموده‌اند.

قروه (سنندج) - ۶۰/۲/۱۷

روستای شاه‌نهره که سه تقریباً در ۲۰ کیلومتری قروه است یکی از معلمین سازنده نشرای مقدماتی سنندج که اهل قروه است به اسم هوشنگ حنیفی در اماست دو گلوله بشهادت میرسد (یکی به مغزش و دیگری به شکم وی اصابت میکند). قضیه بدین قرار است که روزی شب هوشنگ که میخواست با موتور سیکلتش به قروه برگردد در نزدیکی روستای شاه‌نهره موتورش در گل گیر میکند و در این میان آهوی پاسداران سر می‌رسد و ایشان راه می‌شناختند. بحای کمک به وی، او را کشته و جنازه وی را از سر جاده به ۱۵۰ متر آن طرف ترم می‌برند که کسی جنازه را شنید را نیند. هوشنگ را از زبان کسانی که او را می‌شناختند، فرد مبارزی بوده و همیشه زحمتکشان روستاها کمک کرده و او را بعنوان راهنمای خودشان قبول دارند. وی از رفقای هوشنگ میگفت که او را در قروه بازداشت کرده بودند ولی چون مدرکی نبوده بود آزاد کرده بودند. تا این چنین روزی بیش میآید و تا حالا شبکه رفقا بش میگویند هوداها! را زمان چریکهای اقلیت بوده‌است.

سنندج - ۶۰/۲/۲۳

دانش‌آموزان دبیرستان دخترانه مستوره اردلان به منظور سازگردانیدن پنج نفر از دانش‌آموزان اخراجی این دبیرستان کلاسها را تعطیل و به خواندن سرود و دادن شعار میپردازند. تعداد آنها حدوداً بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر بود. پس از یک ساعت معاون سرپرست آموزش و پرورش (فروتن) به مدرسه میآید. دانش‌آموزان خواهستهای خود را مطرح میکنند، پس از دو ساعت بحث و جدل فروتن پیشنهاد میکند که هر کلاس یک نما بنده بفرستد تا با آنان بحث شود که از طرف دانش‌آموزان با این پیشنهاد موافقت میشود. اما بحث‌ها به نتیجه‌ای نرسید و حرف آخر آنان این بود که "دانش‌آموزان اخراجی به مدرسه باز نخواهند گشت."

آوارگان...

و همچون گویا ستواردا رند، مطمئن باش خدایشان سطنیا نسبی سیدل خواهد شد که غاملان تها و زرا سرکوب: ناگهان مستبدان را جا روپ بنمایند. در باره وضعیت آن سدها بیشتر خوا همسرم نوشتست.

به بدنتل از نشریه "مقاومت جنوب" را خبار جنگ و جنگر زنگساران شماره ۱۰، ۶۰/۲/۲۵ - نشریه "سنداق مقاومت جنگ جنوب" اتحادیه کمونیستهای ایران

بنیاد ز صفحه آخر

اگر چنین است پس بولهای هنگفتی را که سرمایه داران، تجار و اردکننده، واسطه ها، عمده فروشها، ودالینها به حساب زده اند و میرند از کجا میآید؟ زحمتکشان این واقعات را میبینند و می شنوند، زحمتکشان این گراسی و تورم را می بینند و هر چه بیشتر فقیر شدن و ناتوان شدنشان در خرید استدایی ترسشان ما بحتاج زندگی را با پوست و گوشتشان حس میکنند، زحمتکشان هم روزی می بینند که کارورنج و فقر سهم میلیونها انسان شرافت مند میشود و شروت و مقام و حکومت و قدرت بصیب یک مشت جنایت - کار دغلی باز.

رینه دغلی کاری و فریب، در انگیزه شوم سرمایه داران برای هر چه بیشتر استثمار کردن و چابیدن زحمتکشان و سیاست دولت - مردان حامی آنها نهفته است. در جوامع سرمایه داری و سادار جوامعیکه سرمایه داران در آن رشد و زوال فزون کرده ولی هنوز بقایای سیستم های بهره کشی فئودالی در آن باقی است، کارگران و زحمتکشان با یک ناله هراسناک زیر کانه شدید استعمار میشوند. یک انسان شرافتمند که نیوه مفت خوری و استثمار در قلموش نیست، برای تامین ما بحتاج اساسی زندگیش مجبور است کار کند. قرنیه است، مفهوم کار و برآورد کردن نیا زندگی های زندگی شکل اجتماعی بخود گرفته است. هر کس در روشندای بخصوص شخصی و تجربه یافته و در همان زمینه تجربه و تخصص مشخص به امر تولید مشغول است، کارگران کفش بلا برای حاشه کفش تهیه میکنند، کارگران ماشین سازی اراک و تبریز، ماشین آلات صنعتی میسازند، کارگران استارلابت ساخته دستشان جوراب است. یکی ساور و جاق کا زوبخاری میسازد و دیگران با کار خود بخش دیگری از احتیاجات جامعه را تامین میکنند. خلاصه کلام، کار تولید و برآورد کرده کردن احتیاجات انسانها برای زندگی، شکل اجتماعی و مرتبط بهم گرفته است. برای کار کردن ابزار تولید لازم است. یک چکش و یک بیل، ابزارهای کار ساده هستند. امروز با پیشرفت جوامع و سه همت تلاش و کوشش کارگران و متفکرین و صنعتگران، ابزار تولید صورت بیشترند و پیچیده در آمده است. دستگا های پیچیده اتوماتیک، کارخانه جات عظیم تولیدی، زمینها، معادن و هزاران ابزار کار ساده و بیعرج همه ابزار تولید هستند. این ابزار در اختیار مالکیت همد نیست. این ابزار در اختیار مالکیت عده محدودی از افراد جامعه میباشد. البته بخشی از این کارخانه جات و معادن و زمینها مثلا دولتی و بانلی است. ولی سیاستهای خاصی برای بکار انداختن، گرداندن، و بهره برداری کردن در آنها اعمال میشود که در نتیجه، و باطن امر، مرفق چندانی ساختن خصوصیتی پیدا نمیکند. پس میلیونها انسان برای ادامه زندگی مجبورند کار کنند و دولتی اسرار کار و تولیدند از زیر این اسرار در مالکیت و اختیار عده محدودیست. سرمایه داران و با صاحبان ابزار تولید محتاج کارگر اند. زیرا بدون کارگر هیچ چرخ و ماشین قادی کار نیست. کارگران هم برای کار محتاج ابزار تولید هستند که متاسفانه این ابزار از روزی که داردمسالم مالک و صاحب، دارائی یک کارگر فقط قدرت بدنی و ذهنی

اوست. ذهن او است که با اسلحه سحر و سحر و سحر، بدن او هنگام کار است که بوسیله فنون با بهره گیری از ذهن یک کار ابزار از مواد خام انواع و اقسام تولیدات را سازد. این قدرت بدنی و ذهنی کارگران که تنها دارائی اوست، نیروی کار نامیده میشود. میلیونها کارگر و زحمتکش برای ادامه حیات و سدیل احتیاجشان سرمایه را تولید میجویند و سرمایه به داران رسد و سرمایه برای آنها کار میکند. سرمایه داران سیاست، قانون، و هدیه شوم خود را دنبال میکنند. سرمایه داران وارد یک معامله با برسان میلیونها انسان مجبور و محتاج میشوند. سرمایه داران نیروی کار کارگران را در مقابل مبلغی تعیین میخرند. این مبلغ دستزد نام دارد. هدیه سرمایه داران است و با هدیه سرمایه داران است و ولی بخاطر احتیاجش به نیروی کار کارگر مجبور است کارگران و مسل آینده آنها را در حداقل وضعیت زنده نگاهدارد. دستزد هم، هر قدر مبلغ عدیدیت کم و زیاد باشد فقط همین حداقل زندگی را برای کارگران و خانواده اش تامین میکند و نه بیشتر. دستزد در گذشته بیست و چند تومان بود ولی امروز ۶۳/۵ تومان است ولی وضع زندگی رقت بار کارگران چندان تغییر نیکرده. حداقل زندگی هم با گذشت زمان و بیشتر فرسودگی اجتماعات مثلثا تغییر میکنند. امروز دیگر در غار نمیشود زندگی کرد. برای زندگی در شهر سربناهی لازم است. آن حداقلی که سرمایه داران برای کارگران در نظر گرفته اند حفره ها نیست بناهای زورآبادها و جلسی آبادها که در گوشه و کنار شهرها به وفور یافت میشود. تازه اگر این شیوه زندگی فلاکت بار هم با قانونشان جور در نیاید، آنرا هم مثل شمیران نو و گرمدره بر سر کفشان خراب میکنند. امروز حداقل زندگی، بهداشت میخواهد، وسیله ایاب و ذهاب میخواهد، مدرسه و درمانگاه میخواهد، لباس و پوشاک مناسب میخواهد. غذا و خوراک شخص میخواهد، و خانه و کاشانه ای با مشخصات بسببی میطلبد که البته همه در حد ضروری و خیلی محدود و بنا به احتیاج زحمتکشان میباشد.

پس کارگران در یک معامله با سرمایه داران و با شرایط و فوایدی که سرخرهای ابزار تولید متخص میکنند مسلمنی که حداقل زندگی را تامین میکنند بعنوان دستزد دریافت میکنند. دار و ندار یک کارگری از یک روز کار همین دستزد است. سرمایه دار سیر طریق که دلش سخاوت ز نیروی کارگر را در معرض بسک روز استفاده میکند. البته کارگران جیان در اثر مسازات چند صد ساله نتوانسته اند تا حدی به لحاظ مگسختگی و قوانین و قوا عدفد اساسی کارفرمایان افسار بزنند. از آن جمله قانون ۸ ساعت کار در روز است. امروزه در ایران دستزد کارگران را یک خانمی بردارند. کارفرماها با حیل و گری دستمزدها را تکه تکه کرده و هر تکه را نام گذاری کرده اند. یک تکه نامش سود ویژه است، یک تکه حق ممکن است، یک تکه حق اولاد است، یک تکه حق خوار و سار است و یک تکه هم با دای و عیدی نامیده میشود. سیاست سرمایه داران از این تکه تکه کردن دوجیز است. اولاً - بدکاران منت میگذارند که مثلا آنها بفرستند وزن و بجه کارگران هم هستند و با آنها کارفرما نسوده بلکه بیک کارگران میانشد و در حد توانانی در اجاره خانه و خورد و خوراک به کارگران کمک میکنند و ثانیاً - با یک چنین حیل های سختی از دستمزدها که سسای نامیهای مختلف با سنت سیر دارند، هر وقت متقاضیان کنند معوان حری سیر از دستزد نمی بردارند. مگر این چنین نیست که وقتی کارگری میخواهد استخدام شود همه این اجزاء دستمزدها

شماره آخر
 میستران ...

انترناسیونالیزم کنش - دوم
 می مانند اجزائی که اکنون
 ساد احزاب سوسیالست
 مختلفند. این احزاب
 اردوران طولانی پیش - یعنی
 ما تحول سرمایه داری به
 امپریالیسم و منحصراً آغاز
 جنگ جهانی اول - آلمان
 سوسیالیسم و طبقه کارگر و
 خلفیهای محروم جهان را رهبر
 کردند و به اردوگاه امپریالیسم
 پیوستند. به احزاب بورژوا -
 امپریالیستی بدل شدند.
 با حفظ استرناسیونال دوم
 و احزاب منسکله آن با است
 بروزیکی از بزرگترین
 استعابات در درون جنبش
 سوسیالیستی کارگری گردید.
 بخش انقلابی آن بدره سری
 السین بر راه انقلاب سوسیالیسم
 و کمونیسم وفا دار ماندند و
 بخش ارتعاشی آن در تکان
 خود به احزاب بکدمت بورژوا -
 امپریالیست بدل شدند.
 فرانسوا میتران رهبریکی از
 همین احزاب بورژوا امپریا -
 لیستی، با نقاب سوسیالیسم
 است. دیگر احزاب متا به حزب
 سوسیالیست فرانسه در ما بزرگ
 کمورها با رها به قدرت
 رسیده اند: حزب سوسیال
 دیکرات آلمان بدره سری
 و ملی سرانت و هلموت اشمیت،
 حزب کارگران انگلستان که بسیار
 ژوندنار همه! این احزاب به
 اردوگاه سورژوازی انگلستان
 پیوست. حزب سوسیالیست
 اطریش بدره سری و رونو
 گرایسکی، حزب کارگران اتریش
 بدره سری کله ما بروتمون

بروز... بنا بر این فرانسوا
 میتران یک جنبش "نوی العاد"
 است، فقط پس از پیش از صد
 دهه یک حزب بورژوا لیستی
 جانشین یک حزب بورژوا لیستی
 دیگر در فرانسه گردید. از این
 "سوسیالیست"ها در همه
 کشورها یافت می شوند. در
 ایران هم بودند و هستند. با حد
 بنی احمدیکی! رهنمون
 "سوسیالیست"ها "سود، حرب
 نوده هم - المنه بارنسک و
 روشی دیگر - از همین "سوی -
 سالیست"ها و "کمونیست"ها
 است. مارکسیست های واقعی
 و خلقیای جهان را رویه کاری -
 ها ترسب نمیدهند.

مواقع فرانسوا میتران
 در مورد مسائلها دکتونسی در
 سطح سوسیالیستی ما هیست
 واقعی وی را بر ملامی سازد.
 وی نیز مانند سوزادوان
 "سوسیالیست" در سایه
 کشورها از سر سخت ترین
 مدافعان رژیم امپریالیستی
 اسرائیل است. وی در این
 مورد حتی کوی سخست را از
 والری ژسکار دستن نیز
 بریده است. بطوریکه مناحم
 بکین از انتخاب وی اظهار
 خوشحالی و رضایت نموده است.
 تنها همین نکته کافی است تا
 بی به ما همت وی برده شود.
 فرانسو چنین "سوسیالیستی" را
 در ۷ سال آسده در راس امور
 خواهد داشت!

علت اصلی انتخاب

میستران چه بود؟

علت پیشی گرفتن
 فرانسوا میتران بر والری
 ژسکار دستن در انتخابیات
 فرانسه را اساساً با بد در ایران
 اقتصادی که جهان امپریا -
 لیستی را فرا گرفته است،
 جستجو کرد. اس بحران
 اقتصادی فقط محتس به
 فرانسه نبوده و به بدای سیر
 سوسیالیستی است. این بحران
 اقتصادی در کابل خود، سا

تس می با سی خود، بنا بر اساس
 بحران های سیاسی راستو -
 لوزیک و نظامی نیز منجر
 خواهد شد و در برخی ارتکورها
 سده است.

نشان از ایدالوگست
 اقتصادی بر اکثریت محروم
 جوامع امپریالیستی (و اساساً
 روبروسوسی) آسپارا و ادار
 به حرکت برای تسخیر میکنند.
 این گرایش به تسخیر در او ان
 خود، بخاطر نفوذی حد و حصر
 اندولوزی بورژوا لیستی، در
 چهار رچوب نظام پارلسانسیا -
 رستی، در چهار رچوب نظام
 موجود، محصور می ماند. و بنا بر
 این فقط در تسخیر "تباغه"ها،
 در با شمن کشیدن یک حسوب
 سورژوازی و با لافش یک حزب
 سورژوازی دیگر حلامه می شود.
 در آمریکا "دیکرات ها" می -
 روند و "جیموریخواهان" می -
 آسند، به اساسا بنام "رند
 گرایش فاشیستی مسردم
 آمریکا!!" بلکه بخاطر واقع
 بحران اقتصادی آمریکا!
 دو سال پیش در انگلستان
 بخاطر همین بحران اقتصادی،
 حزب کارگر سقوط کرد و حسوب
 محافظه کار بر رهبری مارگارت
 تا جریبه قدرت رسید. ولیسی
 سیاست انحصاری "محکم کردن
 کمربندها" از جانب مارگارت
 تا چربانگمت کابل روبرو
 نده است و امروز - طبق آخرین
 هم دپرسی - ۷۰ درصد مردم
 انگلستان خواستار سقوط
 دولت تاجر هستند. و در سده در
 همین دوران مشاهده میکنیم
 که حزب کارگرفاغه "جیا" سه
 خود گرفتند است!! در آلمان
 غری سیر، که با مطلق یکی از
 "سالم"ترین اقتصادیات را
 در کشورهای امپریالیستی
 دار است - بحران نفع می -
 تیرد و ما ردمضق آفرین
 همه سری ۶۰ درصد مردم آلمان
 ار هلمون اشمیت اطریش را
 تا رها می کرده اند. در تورنی
 که کمماریکسال از انتخابات
 محدودی سعی گذرد.

همین بحران اقتصادی
 در فرانسه - ۱/۵ میلیونها
 بیکار، روح سوری معادل
 ۱۲ درصد، رگود اقتصاد، ... -
 سروی اساسی "تسیر" بوده
 است. ولی فعلاً تسیر در
 چهار رچوب همان نظام محصور
 است و به تسیر سافدها تمام
 سده است. فرانسوا میتران
 بریتر این جنبش سراسری
 سروالری ژسکار دستن برور
 کشت. ولی کارزبادی از پیش
 نخواهد شد.

در همین جا با بدیدیک
 نکته مهم نا ره کنیم: آن اینکه
 سورژوازی امپریالیست در
 مواقع بحرانی برای حفظ
 سؤقت خود، برای استحکام
 دیکتاتورنی طبقاتی اش، و
 برای سخرند ساختن نارضا -
 بی سوسی در برخی مواقع
 چهره های حد "سوسیالیست"
 "کمونیست"، "لیبرال"، ...
 را رومیکنند و حتی با لاجار سده
 برخی اسبازات نیز تسن
 سده اند. این تا کتیک گفته شده
 سورژوازی فقط برای تقویت
 سؤقت متزلزل و آماده شدن
 برای حمله میاند. این
 تا کتیک فقط نوده های نا آکاد
 و سورژوازی های خام خیال
 را تربی می دهد.

خلامه کنیم. انتخاب فرانسوا
 میتران بریاست جمهوری فرانسه، نه
 انتخاب یک فرد مترقی، یک حزب
 مترقی، بلکه انتخاب یک حزب
 بورژوا امپریالیست میاند. علت
 آن را باید اساساً در ناراضیاتی عمومی
 مردم! را اوضاع بحرانی عمق یافته
 اقتصادی جستجو کرد. بنا بر این و لا
 سبح رونباینا مبدی به حرکت
 سرتخیر افغانه از جانب حکومت
 فرانسه داشت، بلکه بانگس ما بد
 سده اشائی آن برداخت و نا میاید
 مسئله مرکزی، به بحرانی که هر
 روز عمق مییابد توجه داشت و در
 آینده در اسطار حرکتیای و سبتر
 تسبقل شرا رچوب مردم در سبازی
 رگورها و حسی در میسر ما -
 سده ای، پس سوسیالیست

درباره پیروزی میتران

فرانسوا میتران، دبیر کل حزب سوسیالیست فرانسه در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه بر قریب خویش، والرئ ژیسکا رستن پیروز گشت و در ۷ سال آینده در این مقام برای امپریالیسم فرانسه خدمت خواهد کرد. پیروزی امپریالیست بین المللی، و هم چنین خوشبختی بورژوازی ملی در کشورهای تحت سلطه (چون کشورهای عربی و ایران) این تغییر وجهه جانی را سه شباهت یک "تغییر اساسی" جلوه گر ساختند. اولی ها از

روی فریبکاری و دومی ها از روی بلاغت طبقاتی! عوامل یاد دهنده به این فریبکاری و آن خوشبختی ابلهان ساپل بیش با افتاده ای هستند: یکم آنکه فرانسوا میتران لقب پرطمطراق "سوسیالیست" را بدک میگذرد، و دوم اینکه والرئ ژیسکا رستن در مدت زمان مدتی ریش آشکارا یک سیاست امپریالیستی و تجار و زگران (بخصوص در آفریقا) را پیش برده بود. ولی خلقهای جهان و بخصوص ما رکیست های واقعی به هیچ رو نیایستی در

مقابل این تغییر وجهه جانی خلق شوند و نخواهند شد. آنها واقعیات را میدانند و خوبی هم فاندربه توضیح علل این جبهه جانی هستند. برای روشن تر شدن اذهان مختصرآ بد بررسی چند نکته میپردازیم:

میتران کیست؟

همانطور که گفتیم فرانسوا میتران لقب "سوسیالیست" را بدک میگذرد. همین امر موجب نفوشت شدن اذهان بسیاری از مردم

میگردد، امری که امپریالیستها از آن برای فریب مردم سود میبرند، چرا که خلق های حیات در سوسیالیسم و سوسیالیستهای واقعی، راه نجات و رهبران واقعی خود را میجویند، ولی "سوسیالیست های" تقلبی و "سوسیالیست های امپریالیست هم موجود هستند و حزب فرانسوا میتران یکی از همین تقلبی ها است! احزاب "سوسیالیست" (بسیار سوسیال دمکرات) از نقطه نظر تاریخی همان احزاب (بقیه در صفحه ۳۱)

حداقل دستمزد، تورم و گرانی

گرانی پیدا میکند، امروز دیگر دستمزد کارگران حتی کفاف یک زندگی فقیرانه را هم نمیدهد. زیر بار سنگین فشار زندگی، کمزور حمتگشان خم شده است و قیمت اجناس در بازار مرتب بطور سرسام آوری هر روز بالاتر میرود. تنها منبع درآمد زحمت گشان چند بخش خصوصی و چند بخش دولتی، عبارتست از دستمزد ثابتی که بطور روزانه و یا ماهانه دریافت میکنند، این دستمزد ثابت، که حداقلش را دولت مکتبی و انقلابی با مبلغ ۶۳/۵ تومان تعیین کرده، در مقابل سالانه رفتن قیمت ما بحتاج زندگی روزش و قدرت خریدش به کمتر از نصف خود تقلیل یافته است. تاخیر این وضعیت اقتصادی بر زندگی میلیونها انسان زحمتکش، یعنی هر چه بیشتر به فقر و فلاکت کشاندن زحمتگشان، به معنای هزاران انسان محرومناچارند در شب با دستهای خالی تریه سر بناهای فقیرانه خود در فتره و در فقره تقریباً خالی بازن و فرزندان خود شریک شوند. بهال گذشته اگر یک کارگر با زحمت میتوانست با یک چنین دستمزدها تنی پتی از پرده اختا راه یک خانه دو اتاقه، کمی گوشت و برنج و دیگر ما بحتاج ابتدائی را تهیه کند، امروز با بدیه حرت غذا و امکانات فقیرانه با سال خون دل بخورد، این رنج ناشی توان فرسا، این فشا ر فقر تحمل نا پذیر، این رویا رونی همه روزها اهل و عیال عربان و گرسنه بین نیست، دولت مکتبی ارتجاعی و همدمستان شده ای و اکثریتش در شعارها و بیابهای روزانه خود عکس العمل به حق کارگران، برای کسب حقوق معلوم و تعیین یک زندگی ابتدائی بلکه بصورت اعتصاب و اعترا بن برور میکند، عملی ضد انقلابی و توطئه گرانه قلمداد میکنند، حامی متغلب مستضعفین، وهم بیما نشان فدکا رگوش، از برای کارگران سنگری ساخته اند بنام کارخانه و در ایسین

سنگر که بیشتر به اردوگاه ظلم و شکنجه شبیه است تا سنگر، و بظنسه کار بیشتر و تولید بیشتر را تعیین نموده اند. ولی هر وقت صحبت از این مقوله میشود که نتیجه کار را چه کسی به جیب فراخش میریزد و تولیدیکه ارزشش مشخص است چرا در بازار فروش گرا شتر عرضه میشود، همه خناق میگیرند. وقتی بحث بگردان مشکل اساسی دور میرود که با یک چنین دستمزدهای حقیرانه چگونه با بد زحمت گشان زندگی کنند؟ و چرا در مقابل این گرانی سرسام آور و فرسوادستور داده ای که دستمزدها با بیستی ثابت بمانند، دلیل این گرانی و تورم چیست؟ و چرا بخش خصوصی طبق آمار خود نشان در عرض دو سال بعد از قیام بیشترین سودها را برده است که سربس ۱۲۰ میلیار تومان میزند؟ یکی در حالیکه خود دزدان است بدنیال دزد میگردد و دیگری شمار تو خالی ملی کردن بازرگانی خارجی را میدهد. ای رویاها ن شبا دخود را به کوچی علی جیب تزئینید! بحث بر سر دستمزد حقیرانه ثابت است و تورم و گرانی سرسام آور تا آنها کوچک شده اند. قیمت بنسیرا ز کیلو شوی ۱۲ تومان به کیلو شوی ۲۵ تومان و حتی در مو اتنی تا ۳۵ تومان افزایش یافته است. جای نامرغوب داخلی از ۹ تومان به ۲۵ تومان رسیده است. با رجه یافت نمیشود و اگر پیدا شود چند برابر قیمت سابق است، قیمت مواد و فترجه و کفش و لباسها اگر قرار باشد در این حکومت ضد علم و فرهنگ مدارس با زسانند، دوسرا رشده است. گوشت از کیلو شوی ۱۳ تومان به کیلو شوی ۴۰ تومان و در با زار سیاه تا ۷۵ تومان ترقی کرده است. سرخ نرخی دو برابر سال گذشته است. انواع سخن ها با ساتت نمیشود و با اگر پیدا شود چند برابر قیمت سابق است. در باره میوه که اصلا نسیاه صحبت کرد، وقتی گوجه سبز و ترش با کیلو شوی ۴۵ تومان به با زار بیاید، از برتقال دانه ای ۱۵ تومان و گوجه فرنگی کیلو شوی ۲۲ تومان با بیستی شکایتی داشت. آیا قیمت های خریداری شده از تولید کنندگان، با قیمت تمام شده محصولات و با قیمت واردات اجناس همین مبلغ است؟